

مجموعه سوالات زبان انگلیسی - ۵۰۴ + کامپیوتر  
کل سوالات این مرحله (۲۱۲۶ سوال)

س ۱: (that In order to)، ج: به منظور، برای

س ۲: Gather، ج: گردآوری کردن

س ۳: Given، ج: داده شده، معین

س ۴: glimpse، ج: نظر اجمالی

س ۵: Govern، ج: حکمرانی

س ۶: Graduation، ج: فارغ التحصیلی

س ۷: grocer، ج: بقال

س ۸: Hierarchy، ج: سلسله مراتب

س ۹: Archival، ج: بایگانی شده

س ۱۰: Impractical، ج: غیر عملی

س ۱۱: Focal، ج: مرکزی

س ۱۲: Inefficient، ج: بی کفایت

س ۱۳: Inevitable، ج: ناچار

س ۱۴: Infect، ج: آلوده کردن، سرایت کردن

س ۱۵: infer، ج: استنباط کردن

س ۱۶: Injection، ج: تزریق

س ۱۷: innovation، ج: ابداع

س ۱۸: Inspired، ج: القا کردن

س ۱۹: Illustration، ج: مثال، تصویر

س ۲۰: facet، ج: شکل

س ۲۱: Equivalent، ج: هم ارز، معادل

س ۲۲: Era، ج: عصر، دوره

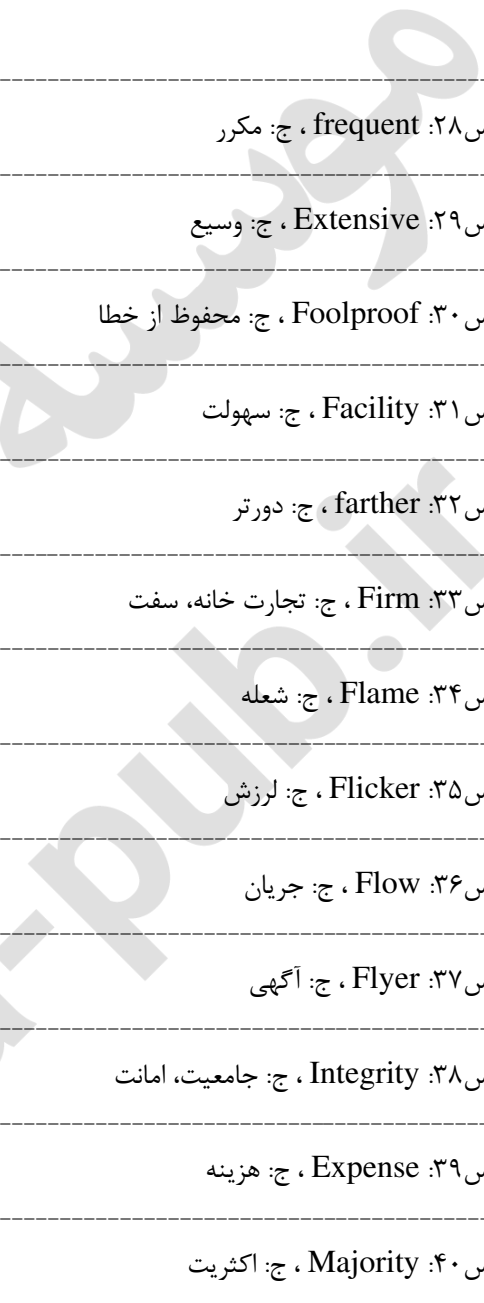
س ۲۳: Establish، ج: تاسیس کردن

س ۲۴: Estate، ج: حالت

س ۲۵: Etiquette، ج: آداب و اصول اخلاقی

س ۲۶: Excessive، ج: مفرط

س ۲۷: Execution، ج: اجرا



س ۴۲: Lectern ، ج: تریبون

س ۴۳: legitimized ، ج: مجاز شده

س ۴۴: leisure ، ج: ساعات بیکاری، فراغت، آسودگی

س ۴۵: License ، ج: مجوز

س ۴۶: literally ، ج: تحت اللفظی

س ۴۷: Loan ، ج: وام

س ۴۸: Latitude ، ج: عرض جغرافیائی

س ۴۹: Major ، ج: عمده

س ۵۰: Key in ، ج: وارد کردن از طریق صفحه کلید

س ۵۱: manipulation ، ج: دستکاری

س ۵۲: Margin ، ج: حاشیه

س ۵۳: Market ، ج: بازار

س ۵۴: Massively ، ج: انبوه

س ۵۵: meaningful ، ج: معنی دار

س ۵۶: Meantime ، ج: ضمنا

س ۲۸: frequent ، ج: مکرر

س ۲۹: Extensive ، ج: وسیع

س ۳۰: Foolproof ، ج: محفوظ از خطا

س ۳۱: Facility ، ج: سهولت

س ۳۲: farther ، ج: دورتر

س ۳۳: Firm ، ج: تجارت خانه، سفت

س ۳۴: Flame ، ج: شعله

س ۳۵: Flicker ، ج: لرزش

س ۳۶: Flow ، ج: جریان

س ۳۷: Flyer ، ج: آگهی

س ۳۸: Integrity ، ج: جامعیت، امانت

س ۳۹: Expense ، ج: هزینه

س ۴۰: Majority ، ج: اکثریت

س ۴۱: Integrate ، ج: تمام کردن، درست کردن

س ۵۷: Medium ، ج: رسانه، متوسط

س ۵۸: Merchandise ، ج: کالا

س ۵۹: Maintenance ، ج: نگهداری

س ۶۰: Irrespective ، ج: صرف نظر

س ۶۱: Enterprise ، ج: اقدام مهم، سرمایه گذاری

س ۶۲: intelligent ، ج: باهوش

س ۶۳: Intercontinental ، ج: بین قاره ای

س ۶۴: Interlace ، ج: درهم بافتن، مشبک

س ۶۵: Intersection ، ج: تقاطع، فصل مشترک

س ۶۶: Interview ، ج: دیدار، مصاحبه

س ۶۷: Intracompany ، ج: داخلی شرکت

س ۶۸: Layout ، ج: طرح بندی

س ۶۹: invoice ، ج: فاکتور

س ۷۰: integration ، ج: ترکیب کردن

س ۷۱: Issue ، ج: پی آمد، صادر شدن

س ۷۲: Accelerate ، ج: تسریع کردن

س ۷۳: Accompany ، ج: همراه بودن

س ۷۴: Accomplish ، ج: صورت گرفتن، انجام دادن

س ۷۵: Accountant ، ج: حسابدار

س ۷۶: accumulated ، ج: اندوختن

س ۷۷: Accumulator ، ج: انباشتگر

س ۷۸: Kernel ، ج: هسته اصلی سیستم عامل

س ۷۹: Inventory ، ج: صورت کالا

س ۸۰: Concentric ، ج: متحدالمرکز

س ۸۱: Convergence ، ج: همگرایی

س ۸۲: circuitry ، ج: مدارات

س ۸۳: Circulate ، ج: منتشر کردن، به گردش درآوردن

س ۸۴: clarity ، ج: وضوح

س ۸۵: collectively ، ج: مجموعاً

س ۸۶: Commitment ، ج: تعهد

س ۸۷: Competitive ، ج: قابل رقابت

س ۸۸: Chain ، ج: زنجیر  
daisy-chained = مجموعه دستگاه های مرتبط با هم

س ۸۹: Concentrator ، ج: متمرکز کننده

س ۹۰: Cast ، ج: معین کردن، پخش کردن

س ۹۱: Concepts ، ج: مفاهیم

س ۹۲: Concern ، ج: اهمیت داشتن، ربط

س ۹۳: Concurrent ، ج: همزمان، موافق

س ۹۴: configuration ، ج: پیکربندی

س ۹۵: Confront ، ج: روبرو شدن

س ۹۶: conjunction ، ج: ترکیب

س ۹۷: Consolidate ، ج: یکی کردن، محکم کردن

س ۹۸: Entity ، ج: نهاد، وجود

س ۹۹: Conceivable ، ج: قابل تصور

س ۱۰۰: Boilerplate ، ج: فرم آماده به همراه جاخالی

س ۱۰۱: Article ، ج: مقاله، کالا

س ۱۰۲: Asterisk ، ج: علامت ستاره (\*)

س ۱۰۳: Asymmetric ، ج: نامتقارن

س ۱۰۴: Authorize ، ج: اجازه دادن، تصویب کردن

س ۱۰۵: Badge ، ج: نشان، علامت

س ۱۰۶: Baud ، ج: علامت در ثانیه

س ۱۰۷: Bend ، ج: خمش

س ۱۰۸: Challenge ، ج: رقابت کردن، چالش

س ۱۰۹: Bibliographic ، ج: مربوط به فهرست کتب

س ۱۱۰: Conversion ، ج: تغییر و تبدیل

س ۱۱۱: Boom ، ج: غرش، توسعه سریع

س ۱۱۲: Broadcast ، ج: اشاعه دادن

س ۱۱۳: Broker ، ج: دلال

س ۱۱۴: Brokerage ، ج: مزد دلالی

س ۱۱۵: car ، ج: ماشین

س ۱۱۶: Bullet ، ج: گلوله

س ۱۱۷: Burst ، ج: از هم پاشیدن

س ۱۱۸: Capital ، ج: سرمایه

س ۱۱۹: Benefits ، ج: مزایا

س ۱۲۰: Effort ، ج: تلاش و کوشش

س ۱۲۱: Contribution ، ج: همکاری، سهم

س ۱۲۲: Diagonal ، ج: قطر

س ۱۲۳: Diameter ، ج: قطر، ضخامت

س ۱۲۴: Diary ، ج: دفتر خاطرات و یادداشت روزانه

س ۱۲۵: Dimension ، ج: بُعد

س ۱۲۶: Direct ، ج: هدایت کردن، مستقیم

س ۱۲۷: Discrete ، ج: گسسته

س ۱۲۸: Deviation ، ج: انحراف

س ۱۲۹: distinguish ، ج: متمایز کردن

س ۱۳۰: Desposit ، ج: سپردن، ته نشست

س ۱۳۱: Elevator ، ج: آسانسور

س ۱۳۲: emerge ، ج: پدیدار شدن

س ۱۳۳: Enclose ، ج: درمیان گذاشتن

س ۱۳۴: Encompass ، ج: شامل بودن، محاصره کردن

س ۱۳۵: Encounter ، ج: مواجه شدن، رویارویی

س ۱۳۶: Enhance ، ج: افزودن، زیاد کردن، بالا بردن

س ۱۳۷: Ensure ، ج: مطمئن ساختن، متقاعد کردن

س ۱۳۸: Mice ، ج: جمع mouse

س ۱۳۹: Disperse ، ج: پراکنده کردن

س ۱۴۰: cumbersome ، ج: طاقت فرسا

س ۱۴۱: cope ، ج: حریف شدن

س ۱۴۲: cornerstone ، ج: بنیاد

س ۱۴۳: cornucopia ، ج: انواع و اقسام فراوان

س ۱۴۴: corporate ، ج: سازمان

س ۱۴۵: Correspond ، ج: مربوط بودن

س ۱۴۶: Critical ، ج: بحرانی، انتقادی

س ۱۴۷: Crucial ، ج: وخیم

س ۱۴۸: Diagnose ، ج: تشخیص دادن

س ۱۴۹: crunch ، ج: خرد کردن

س ۱۵۰: Enthusiast ، ج: مشتاق

س ۱۵۱: Curvature ، ج: انحنای

س ۱۵۲: Cyberspace ، ج: فضایی که از طریق اینترنت در دسترس است

س ۱۵۳: Deal ، ج: سر و کار داشتن، معامله کردن

س ۱۵۴: delivery ، ج: تحویل

س ۱۵۵: Demographic ، ج: آمارگیری

س ۱۵۶: derive ، ج: استنتاج کردن

س ۱۵۷: Descriptive ، ج: تشریحی، توصیفی

س ۱۵۸: desirable ، ج: مطلوب

س ۱۵۹: Cruise ، ج: گشت زدن

س ۱۶۰: Symptom ، ج: علامت

س ۱۶۱: Subordinate ، ج: تابع

س ۱۶۲: Thoughtful ، ج: اندیشمند، با فکر

س ۱۶۳: Thesaurus ، ج: فرهنگ جامع

س ۱۶۴: Thereby ، ج: بدان وسیله

س ۱۶۵: Therapeutic ، ج: درمانی

س ۱۶۶: Temporary ، ج: موقتی

س ۱۶۷: Tedious ، ج: خسته کننده

س ۱۶۸: Tighten ، ج: سفت کاری

س ۱۶۹: Synchronous ، ج: همزمان

س ۱۷۰: Token ، ج: علامت

س ۱۷۱: Swivel ، ج: چرخاندن

س ۱۷۲: Suppose ، ج: فرض کنید، فرض کردن

س ۱۷۳: Supplement ، ج: مکمل، ضمیمه

س ۱۷۴: Supervise ، ج: نظارت کردن

س ۱۷۵: superior ، ج: مافوق

س ۱۷۶: Superimpose ، ج: روی چیزی قرار گرفتن

س ۱۷۷: Subsequent ، ج: بعدی

س ۱۷۸: Vendor ، ج: فروشنده

س ۱۷۹: Tabular ، ج: جدولی

س ۱۸۰: Tremendous ، ج: فوق العاده، زیاد

س ۱۸۱: Metric ، ج: اندازه ای

س ۱۸۲: vaguely ، ج: مبهم

س ۱۸۳: Utilize ، ج: استفاده کردن از

س ۱۸۴: upright ، ج: قائم

س ۱۸۵: Underlying ، ج: اصولی، اساسی

س ۱۸۶: Unanimous ، ج: اجماعاً، متفق القول

س ۱۸۷: Ultimate ، ج: نهائی

س ۱۸۸: Through ، ج: از میان، بواسطه

س ۱۸۹: Twist ، ج: پیچ خوردگی

س ۱۹۰: Restrict ، ج: محدود کردن

س ۱۹۱: transmit ، ج: انتقال داده ها

س ۱۹۲: Respond ، ج: پاسخ دادن، واکنش نشان دادن

س ۱۹۳: Transcribing ، ج: رونویسی کردن

س ۱۹۴: Transaction ، ج: معامله

س ۱۹۵: traditionally ، ج: سابقاً

س ۱۹۶: Traditional ، ج: مرسوم، رایج

س ۱۹۷: Tolerance ، ج: بردباری

س ۱۹۸: Tolerable ، ج: قابل تحمل

س ۱۹۹: Typesetter ، ج: حروف چین

س ۲۰۰: Specify ، ج: مشخص کردن

س ۲۰۱: subscriber ، ج: مشترکان

س ۲۰۲: Section ، ج: مقطع، بخش

س ۲۰۳: Set out ، ج: تنظیم شدن، اعزام شدن

س ۲۰۴: Shutter ، ج: دریچه

س ۲۰۵: Simultaneously ، ج: همزمان

س ۲۰۶: slot ، ج: شکاف

س ۲۰۷: Snoop ، ج: نگاه تجسس آمیز

س ۲۰۸: schedule ، ج: زمان بندی

س ۲۰۹: Specification ، ج: مشخصات

س ۲۱۰: Saturate ، ج: اشباع کردن

س ۲۱۱: Straightforward ، ج: سر راست، بی پرده

س ۲۱۲: Stock ، ج: موجودی، سهام

س ۲۱۳: Stabilize ، ج: تثبیت

س ۲۱۴: Squirt ink ، ج: جوهر پاش

س ۲۱۵: Spread ، ج: گستردن

س ۲۱۶: Sphere ، ج: حیطه، کره، محدوده فعالیت، دایره معلومات

س ۲۱۷: Spectrum ، ج: طیف، بینائی

س ۲۱۸: Spectacular ، ج: تماشائی

س ۲۱۹: Solid state ، ج: بدون تغییر

س ۲۲۰: Stretch ، ج: کشیدن، امتداد دادن

س ۲۲۱: Retail ، ج: جزئی

س ۲۲۲: Retailer ، ج: خرده فروش

س ۲۲۳: Retain ، ج: نگه داشتن، حفظ کردن

س ۲۲۴: Retrieve ، ج: بازیافتن، پس گرفتن

س ۲۲۵: Revenue ، ج: بازده

س ۲۲۶: Revision ، ج: تجدید نظر

س ۲۲۷: revolve ، ج: دور زدن

س ۲۲۸: Secondary ، ج: فرعی، کمکی

س ۲۲۹: Strictly speaking ، ج: در واقع



س ۲۳۰: representation ، ج: معرفی و نمایش

س ۲۳۱: Stress factor ، ج: ضریب سختی

س ۲۳۲: Linkage ، ج: اتصال، بهم پیوستگی

س ۲۳۳: Ribbon ، ج: نوار

س ۲۳۴: Rigid ، ج: سفت و سخت

س ۲۳۵: Route ، ج: مسیر، گسیل شدن

س ۲۳۶: sacrifice ، ج: قربانی شدن

س ۲۳۷: Satisfactory ، ج: رضایت بخش

س ۲۳۸: Satisfied ، ج: راضی

س ۲۳۹: stripe ، ج: مارک

س ۲۴۰: Overview ، ج: چکیده مطلب

س ۲۴۱: Pertain ، ج: مربوط بودن

س ۲۴۲: Optimal ، ج: مطلوب

س ۲۴۳: Optimize ، ج: بهینه ساختن

س ۲۴۴: Organizational chart ، ج: چارت سازمانی

س ۲۴۵: Oriented ، ج: متمایل

س ۲۴۶: Outfit ، ج: تجهیز

س ۲۴۷: Outlet ، ج: خروجی

س ۲۴۸: Oppose ، ج: مخالفت کردن، ضدیت

س ۲۴۹: Overall ، ج: سرتاسر، روی هم رفته، همه چیز، همه جا

س ۲۵۰: Operation ، ج: قابلیت تولید

س ۲۵۱: Overwhelming ، ج: سراسر پوشاندن، غوطه ور ساختن، پایمال کردن، درهم شکستن

س ۲۵۲: Ownership ، ج: مالکیت

س ۲۵۳: Pace ، ج: آهنگ حرکت

س ۲۵۴: Pamphlet

، ج: جزوه

س ۲۵۵: particularly ، ج: مخصوصا

س ۲۵۶: Passive ، ج: تاثیرپذیر، تابع

س ۲۵۷: Payroll ، ج: صورت پرداخت

س ۲۵۸: Vary ، ج: دگرگون کردن

س ۲۵۹: Outperform ، ج: بهتر انجام دادن

س ۲۶۰: Multiplexer ، ج: تسهیم کننده

س ۲۶۱: Garbage ، ج: زباله

س ۲۶۲: Milestone ، ج: مرحله برجسته

س ۲۶۳: Mimic ، ج: تقلید کردن

س ۲۶۴: Minute ، ج: مقدار کم، دقیقه

س ۲۶۵: Mischievous ، ج: بدجنس

س ۲۶۶: Mnemonic ، ج: وابسته به حافظه

س ۲۶۷: Modification ، ج: اصلاح

س ۲۶۸: Opt ، ج: انتخاب کردن

س ۲۶۹: Motivate ، ج: انگیزتن، تحریک کردن

س ۲۷۰: Perusing ، ج: بررسی

س ۲۷۱: Necessity ، ج: ضرورت

س ۲۷۲: Negotiate ، ج: مذاکره کردن

س ۲۷۳: Negotiating ، ج: نقد کردن پول

س ۲۷۴: Neural ، ج: عصبی

س ۲۷۵: numeric ، ج: عددی

س ۲۷۶: Objective ، ج: هدف

س ۲۷۷: Obsolete ، ج: فرسوده

س ۲۷۸: Obtain ، ج: بدست آوردن

س ۲۷۹: monochrome ، ج: تک رنگ

س ۲۸۰: Recommend ، ج: توصیه کردن، معرفی کردن

س ۲۸۱: Periodical ، ج: گاهنامه

س ۲۸۲: Pulpit ، ج: منبر

س ۲۸۳: Punctuation ، ج: نشانه گذاری

س ۲۸۴: Purchase ، ج: خرید کردن

س ۲۸۵: pursue ، ج: دنبال کردن

س ۲۸۶: Quote ، ج: نقل قول کردن

س ۳۰۱: Phase ، ج: لحاظ، مرحله

س ۲۸۷: rather ، ج: سریع تر

س ۳۰۲: Phoneme ، ج: آوا

س ۲۸۸: Pseudo ، ج: پیشوند به معنی "کاذب"

س ۳۰۳: platform ، ج: پایگاه

س ۲۸۹: Receipt ، ج: قبض رسید

س ۳۰۴: Podium ، ج: سکو

س ۲۹۰: Province ، ج: استان

س ۳۰۵: Popular ، ج: محبوب

س ۲۹۱: Weird ، ج: خارق العاده

س ۳۰۶: Portion ، ج: بخش، سهم

س ۲۹۲: Walled ، ج: محصور شده

س ۳۰۷: precision ، ج: دقت

س ۲۹۳: Vocal ، ج: صوتی

س ۳۰۸: Publication ، ج: انتشار

س ۲۹۴: Reluctant ، ج: بی میل

س ۳۰۹: Presence ، ج: حضور

س ۲۹۵: Vividly ، ج: به وضوح

س ۳۱۰: Metropolitan ، ج: شهری

س ۲۹۶: Vital ، ج: حیاتی

س ۳۱۱: Priority ، ج: اولویت

س ۲۹۷: Remove ، ج: برداشتن، رفع کردن

س ۳۱۲: Privacy ، ج: تنهائی، پنهانی

س ۲۹۸: Verbally ، ج: شفاهی، تحت اللفظی

س ۳۱۳: Profit ، ج: سود

س ۲۹۹: Reassemble ، ج: همگذار کردن، دوباره سوار کردن

س ۳۱۴: Progressive ، ج: مترقی، تصاعدی

س ۳۰۰: primarily ، ج: اصولاً

س ۳۱۵: Promise ، ج: وعده، پیمان

س ۳۱۶: Promote ، ج: ترویج دادن

س ۳۱۷: Properly ، ج: شایسته، مناسب

س ۳۱۸: Proportion ، ج: سهم، تناسب، متناسب کردن

س ۳۱۹: Prerequisite ، ج: پیش نیاز

س ۳۲۰: Improper ، ج: ناشایسته

س ۳۲۱: approach ، ج: رویکرد

س ۳۲۲: Assign ، ج: واگذار کردن، اختصاص دادن

س ۳۲۳: Assignment ، ج: وظیفه

س ۳۲۴: Associate ، ج: وابسته کردن، وابسته

س ۳۲۵: Intercept ، ج: بریدن، جدا کردن

س ۳۲۶: Intensity ، ج: شدت، نیرومندی

س ۳۲۷: Institutional ، ج: نهادی، موسسه ای

س ۳۲۸: Insight ، ج: بینش، زیرکی

س ۳۲۹: Barrage ، ج: رگبار گلوله

س ۳۳۰: Incorporate ، ج: یکی کردن

س ۳۳۱: Appealing ، ج: جذاب، پژهش

س ۳۳۲: Imply ، ج: اشاره کردن

س ۳۳۳: Impact ، ج: برخورد، اثر

س ۳۳۴: Hearing ، ج: گزارش، رسیدگی، شنوائی

س ۳۳۵: Get on ، ج: سوار شدن، کار کردن، گذراندن

س ۳۳۶: Fold ، ج: تا کردن

س ۳۳۷: Fiddle ، ج: کار بیهوده کردن

س ۳۳۸: Augment ، ج: افزودن

س ۳۳۹: State-of-art ، ج: تکنولوژی جدید

س ۳۴۰: Incredible ، ج: باور نکردنی

س ۳۴۱: Worth of ، ج: معادل

س ۳۴۲: Streamline ، ج: ساده کردن

س ۳۴۳: Strip ، ج: محروم کردن، باریکه، نوار

س ۳۴۴: Strive ، ج: کوشیدن

س ۳۴۵: Suit ، ج: درخواست

س ۳۴۶: Tackle ، ج: از عهده برآمدن، لوازم کار

س ۳۴۷: Telecommute ، ج: ایجاد ارتباط از راه دور

س ۳۴۸: Tender ، ج: نازک، حساس

س ۳۴۹: Trend ، ج: تمایل

س ۳۵۰: Application of choice ، ج: نرم افزار منتخب

س ۳۵۱: Warehouse ، ج: انبار کردن

س ۳۵۲: Appliance ، ج: وسیله

س ۳۵۳: Interlock ، ج: همبند کردن

س ۳۵۴: Workbench ، ج: میز کار

س ۳۵۵: Wristwatch ، ج: ساعت مچی

س ۳۵۶: Yield ، ج: ثمر دادن

س ۳۵۷: Absorption ، ج: جذب

س ۳۵۸: Accommodate ، ج: تطبیق دادن

س ۳۵۹: Affection ، ج: مهربانی، تاثیر

س ۳۶۰: Allot ، ج: تخصیص دادن، معین کردن

س ۳۶۱: Batch ، ج: بسته

س ۳۶۲: Unravel ، ج: از هم باز کردن، حل کردن

س ۳۶۳: Dilemma ، ج: وضع دشوار

س ۳۶۴: Entail ، ج: دربرداشتن

س ۳۶۵: Enrichment ، ج: غنی سازی

س ۳۶۶: En ، ج: در یک، یک تکه

س ۳۶۷: Emulate ، ج: رقابت کردن، برابری کردن

س ۳۶۸: dedicate ، ج: اختصاص دادن

س ۳۶۹: Deduct ، ج: کم کردن

س ۳۷۰: Defect ، ج: انکسار، شکستن

س ۳۷۱: Demonstrate ، ج: اثبات کردن، نشان دادن، شرح دادن، تظاهرات کردن

س ۳۷۲: Aura ، ج: رایحه

س ۳۷۳: Designate ، ج: گماشتن، تخصیص دادن، برگزیدن

س ۳۷۴: Curious ، ج: نادر، غریب

س ۳۷۵: dissemination ، ج: انتشار

س ۳۷۶: Distort ، ج: تحریف کردن

س ۳۷۷: Dozens ، ج: دوجین

س ۳۷۸: Drawback ، ج: مانع، اشکال

س ۳۷۹: Dumb ، ج: گنگ، لال، بی معنی

س ۳۸۰: appointment ، ج: قرار ملاقات

س ۳۸۱: Elaborate ، ج: به زحمت ساختن، با دقت شرح دادن

س ۳۸۲: Eminent ، ج: برجسته، متعال

س ۳۸۳: Deposit ، ج: ودیعه، ته نشست

س ۳۸۴: Composition ، ج: ترکیب

س ۳۸۵: Boundary ، ج: مرز

س ۳۸۶: By-product ، ج: محصول جانبی

س ۳۸۷: Certificate ، ج: گواهینامه

س ۳۸۸: Certify ، ج: تصدیق کردن

س ۳۸۹: Chronological ، ج: به ترتیب زمان

س ۳۹۰: Citizen ، ج: شهروند

س ۳۹۱: Clan ، ج: قوم، قبیله

س ۳۹۲: colleagues ، ج: همکار

س ۳۹۳: Ethic ، ج: اصول اخلاقی

س ۳۹۴: competency ، ج: صلاحیت

س ۳۹۵: Fabrication ، ج: ساختن

س ۳۹۶: Consequently ، ج: در نتیجه

س ۳۹۷: Contagious ، ج: مسری، سرایت کننده

س ۳۹۸: Contend ، ج: مخالفت کردن، رقابت کردن

س ۳۹۹: Continent ، ج: قاره

س ۴۰۰: Contract ، ج: قرارداد

س ۴۰۱: Conversation ، ج: گفت و گو

س ۴۰۲: Cooptation ، ج: همکاری

س ۴۱۷: Relay ، ج: بازپخش

س ۴۰۳: Cue ، ج: اشاره، راهنما

س ۴۱۸: Adhere ، ج: چسبیدن، الصاق

س ۴۰۴: Bond ، ج: قید، بند، معاهده

س ۴۱۹: Act ، ج: نمایش دادن

س ۴۰۵: Commonwealth ، ج: مشترک المنافع

س ۴۲۰: Accuracy ، ج: دقت، صحت

س ۴۰۶: Referent ، ج: ارجاعی

س ۴۲۱: Replenish ، ج: تجهیز کردن، تدارک دیدن

س ۴۰۷: Scapegoat ، ج: کسی را قربانی دیگران کردن

س ۴۲۲: Representative ، ج: نماینده

س ۴۰۸: Porfound ، ج: عمیق

س ۴۲۳: Rival ، ج: رقیب

س ۴۰۹: Privilege ، ج: امتیاز، برتری

س ۴۲۴: Rush ، ج: یورش

س ۴۱۰: Proximity ، ج: مجاورت

س ۴۲۵: Adjustment ، ج: سازگار

س ۴۱۱: Radical ، ج: بنیان، بنیادگرا

س ۴۲۶: Mayor ، ج: شهردار

س ۴۱۲: Realization ، ج: به واقعیت پیوستن

س ۴۲۷: Apply ، ج: بکار بردن، درخواست کردن

س ۴۱۳: Receptacle ، ج: جا، ظرف

س ۴۲۸: Applicable ، ج: اجرا شدنی

س ۴۱۴: Parcel ، ج: قسمت، امانت پستی

س ۴۲۹: Applet ، ج: قطعه کد قابل مشاهده روی اینترنت

س ۴۱۵: Adjust ، ج: تنظیم کردن، وفق دادن

س ۴۳۰: Apparent ، ج: آشکار

س ۴۱۶: Paradigm ، ج: الگو

س ۴۳۱: Annotation ، ج: یادداشت

س ۴۳۲: Analogous ، ج: مشابه  
analog = شباهت

س ۴۳۳: Alternative ، ج: متناوب، دیگر، چاره

س ۴۳۴: Pile ، ج: توده

س ۴۳۵: Malfunction ، ج: سوء عمل

س ۴۳۶: Memo ، ج: یادداشت

س ۴۳۷: Mediating ، ج: واسطه ای

س ۴۳۸: Wise ، ج: عاقل

س ۴۳۹: Military ، ج: نظامی

س ۴۴۰: Mortgage ، ج: رهن، گرو گذاشتن

س ۴۴۱: Motive ، ج: انگیزه، علت، انگیزتن

س ۴۴۲: Native ، ج: محلی

س ۴۴۳: Normative ، ج: اصولی، قانونی

س ۴۴۴: Overlay ، ج: پوشش

س ۴۴۵: Allocate ، ج: اختصاص دادن

س ۴۴۶: Solicit ، ج: درخواست کردن

س ۴۴۷: Stakeholder ، ج: گروگذار، ذی نفع

س ۴۴۸: Seasoned ، ج: مجرب

س ۴۴۹: Whereby ، ج: که به وسیله آن

س ۴۵۰: Sequentially ، ج: دائمی، متوالی

س ۴۵۱: Sluggard ، ج: تنبل

س ۴۵۲: Will ، ج: وصیت نامه، میل

س ۴۵۳: Sophisticate ، ج: پیشرفته کردن

س ۴۵۴: Resolute ، ج: ثابت قدم، تصویب کردن، ثابت

س ۴۵۵: Audacious ، ج: بی پروا، بیشرم

س ۴۵۶: Dragnet ، ج: تور یا دام ماهیگیری

س ۴۵۷: Vermin ، ج: جانوران موذی، حشرات موذی

س ۴۵۸: Intrepid ، ج: شجاع

س ۴۵۹: Attorn ، ج: اجاره داری کردن



س ۴۶۰: Entrust ، ج: واگذار کردن، به امانت سپردن

س ۴۶۱: Daunt ، ج: رام کردن، ترساندن

س ۴۶۲: Delegate ، ج: نمایندگی دادن، وکیل

س ۴۶۳: Obedience ، ج: فرمانبرداری، اطاعت

س ۴۶۴: Baffle ، ج: سپر، دستیپاچه کردن

س ۴۶۵: Frown ، ج: اخم کردن

س ۴۶۶: Horn ، ج: شاخ، شیپور، نوک

س ۴۶۷: Rancher ، ج: دامدار

س ۴۶۸: Wretch ، ج: بدبخت، بی وجدان، پست

س ۴۶۹: Ambuscade ، ج: سرپناه، دام، کمین گاه

س ۴۷۰: Collide ، ج: تصادف کردن، برخورد

س ۴۷۱: Detour ، ج: انحراف

س ۴۷۲: Constitute ، ج: تشکیل دادن، تاسیس کردن، ترکیب کردن

س ۴۷۳: Invasion ، ج: تاخت و تاز، هجوم، تعرض

س ۴۷۴: Stray ، ج: سرگردان، آواره کردن، گمراه شدن

س ۴۷۵: Penalize ، ج: جریمه کردن، تاوان دادن

س ۴۷۶: Beef ، ج: گوشت گاو، شکایت کردن، تقویت کردن

س ۴۷۷: Sorrow ، ج: سوگ، غمگین کردن، تاسف خوردن

س ۴۷۸: Spence ، ج: آبدارخانه

س ۴۷۹: Gore ، ج: سوراخ کردن، خون

س ۴۸۰: Paratrooper ، ج: سرباز چترباز

س ۴۸۱: Eulogy ، ج: ستایش، تشویق، مداحی

س ۴۸۲: Banquet ، ج: مهمانی، ضیافت

س ۴۸۳: Arbiter ، ج: حکم، داوری کردن، قاضی

س ۴۸۴: Owe ، ج: بدهکار بودن

س ۴۸۵: Funeral ، ج: مراسم دفن

س ۴۸۶: Cram ، ج: پر کردن، با شتاب یاد گرفتن

س ۴۸۷: Connive ، ج: چشم پوشی کردن، تجاهل

س ۴۸۸: Anoint ، ج: روغن مالی کردن

س ۴۸۹: Elate ، ج: سربلند، بالا بردن، محفوظ کردن

س ۴۹۰: Dam ، ج: سد، مانع شدن، محدود کردن

س ۴۹۱: Knot ، ج: گیر انداختن، گره خوردن

س ۴۹۲: Claw ، ج: پنجه، چنگ زدن

س ۴۹۳: Fallacious ، ج: غلط، سفسسته آمیز

س ۴۹۴: Uncommunicative ، ج: بی علاقه به تبادل فکر، خاموش، کم حرف

س ۴۹۵: Banish ، ج: دور کردن، تبعید، اخراج

س ۴۹۶: Statue ، ج: تندیس، پیکرسازی

س ۴۹۷: Jockey ، ج: اسب سوار حرفه ای، نیرنگ زدن

س ۴۹۸: Squad ، ج: گروه، جوخه

س ۴۹۹: Giant ، ج: غول، قوی هیکل

س ۵۰۰: Masculine ، ج: مردانه

س ۵۰۱: Crop ، ج: محصول، حاصل دادن

س ۵۰۲: Diver ، ج: غواص

س ۵۰۳: Underestimate ، ج: دست کم گرفتن

س ۵۰۴: Barrel ، ج: بشکه، در خمره ریختن

س ۵۰۵: Juggle ، ج: شعبده، حقه بازی، چشم بندی

س ۵۰۶: Onlooker ، ج: ناظر، مراقب، تماشاچی

س ۵۰۷: Mustache ، ج: سبیل

س ۵۰۸: Boredom ، ج: خستگی

س ۵۰۹: Arouse ، ج: بیدار کردن، تحریک کردن

س ۵۱۰: Mediocre ، ج: حد وسط، متوسط

س ۵۱۱: Horrible ، ج: مخوف، ترسناک

س ۵۱۲: Tendency ، ج: گرایش، تمایل، استعداد

س ۵۱۳: Misty ، ج: میهم

س ۵۱۴: Inhale ، ج: تنفس، استشمام کردن

س ۵۱۵: Whirl ، ج: چرخانیدن، گردش

س ۵۱۶: Swing ، ج: تاب خوردن، نوسان

س ۵۱۷: Complain ، ج: شکایت کردن، نالیدن

س ۵۱۸: Pony ، ج: اسب کوچک، پرداختن، خلاصه اخبار

س ۵۱۹: Lunge ، ج: حمله ناگهانی، خیز

س ۵۲۰: Bold ، ج: شجاع، خشن

س ۵۲۱: Mischief ، ج: اذیت، شرارت، مودبگری

س ۵۲۲: Stubborn ، ج: سمج، خودسر، کله شق

س ۵۲۳: Violent ، ج: تند، سخت، قاهرانه

س ۵۲۴: Resent ، ج: رنجیدن از، اظهار تنفر از

س ۵۲۵: Crew ، ج: خدمه کشتی، کارکنان هواپیما

س ۵۲۶: Molest ، ج: آزار رساندن، معترض شدن، تجاوز

س ۵۲۷: Gang ، ج: دسته، جمعیت، سفر کردن، جمعیت تشکل دادن

س ۵۲۸: Gloom ، ج: تاریکی، دل‌تنگ بودن، افسردگی

س ۵۲۹: Bale ، ج: عدل، مصیبت، رنج، رقصیدن

س ۵۳۰: Wreck ، ج: خرابی، خسارت وارد آوردن

س ۵۳۱: Cursory ، ج: سرسری، با سرعت و بی دقت

س ۵۳۲: Overstate ، ج: اغراق گفتن، گزافه گوئی

س ۵۳۳: Undergo ، ج: تحمل کردن، دستخوش چیزی شدن

س ۵۳۴: Rave ، ج: دیوانه شدن، غوغا

س ۵۳۵: Horrid ، ج: ترسناک، نفرت انگیز

س ۵۳۶: Nimble ، ج: چابک، تردست

س ۵۳۷: Puppet ، ج: عروسک خیمه شب بازی، دست نشانده

س ۵۳۸: Deduce ، ج: استنباط کردن، کم کردن

س ۵۳۹: Sweat ، ج: عرق، عرق کردن، مشقت کشیدن

س ۵۴۰: Condemn ، ج: محکوم کردن، محکوم شدن

س ۵۴۱: Pro ، ج: موافق، حرفه ای، برای

س ۵۴۲: Torrent ، ج: سیل، جریان شدید

س ۵۴۳: Scrutiny ، ج: بررسی دقیق، رسیدگی، تحقیق

س ۵۴۴: Sermon ، ج: موعظه، خطبه، اندرز گفتن

س ۵۴۵: Rash ، ج: تند، عجول، بی احتیاط

س ۵۴۶: Regiment ، ج: دسته دسته کردن، تنظیم کردن

س ۵۴۷: Simile ، ج: تشبیه، استعاره

س ۵۴۸: Valiant ، ج: دلاور، شجاع، نیرومند

س ۵۴۹: Lamb ، ج: آدم ساده، گوشت بره

س ۵۵۰: Prosper ، ج: رونق یافتن، پیشرفت کردن

س ۵۵۱: Rescind ، ج: باطل ساختن، لغو

س ۵۵۲: Vicinity ، ج: نزدیکی، حومه، همسایگی

س ۵۵۳: Incarcerate ، ج: زندانی کردن

س ۵۵۴: Bewilder ، ج: گیج کردن، گم کردن

س ۵۵۵: Fury ، ج: غضب، آشوب، اضطراب، شدت

س ۵۵۶: Peach ، ج: فاش کردن، هلو، دختر زیبا

س ۵۵۷: Harvest ، ج: محصول، درو کردن، نتیجه

س ۵۵۸: Spell ، ج: طلسم، حمله، افسون کردن، هجی

س ۵۵۹: Grain ، ج: دانه، جوانه زدن

س ۵۶۰: Mouthful ، ج: لقمه، دهن پر، مقدار

س ۵۶۱: Morsel ، ج: تکه، مقدار کم، لقمه کردن

س ۵۶۲: Pledge ، ج: گرو گذاشتن، متعهد شدن

س ۵۶۳: Troop ، ج: عده سربازان، رژه رفتن

س ۵۶۴: Lown ، ج: آرام، ساکت

س ۵۶۵: Ambush ، ج: پناهگاه، کمین کردن

س ۵۶۶: Barn ، ج: انبار، انبار کردن

س ۵۶۷: Poll ، ج: رای گیری

س ۵۶۸: Pine ، ج: غم و اندوه، نگرانی، غصه خوردن

س ۵۶۹: Allowance ، ج: جیره دادن

س ۵۷۰: Inn ، ج: مهمانخانه، مسکن دادن

س ۵۷۱: Fee ، ج: مزد، پاداش، شهریه، اجیر کردن

س ۵۷۲: Sauce ، ج: سوس، چاشنی غذا

س ۵۷۳: Coarse ، ج: درشت، بی ادب، ذخیم

س ۵۷۴: Drab ، ج: رنگ و روغن، کسل کننده

س ۵۷۵: Cuddle ، ج: درآغوش گرفتن، نوازش کردن

س ۵۷۶: Ranch ، ج: دامداری کردن

س ۵۷۷: Noose ، ج: کمند، در دام انداختن

س ۵۷۸: Evade ، ج: طفره رفتن، تجاهل کردن

س ۵۷۹: Corn ، ج: دانه، غله، نمک زدن

س ۵۸۰: Pilgrim ، ج: زائر، مسافر، مهاجر

س ۵۸۱: Applause ، ج: کف زدن، هلهله، تحسین

س ۵۸۲: Worthwhile ، ج: ارزنده، قابل صرف وقت

س ۵۸۳: Verbose ، ج: دراز، پرگو

س ۵۸۴: Vacillate ، ج: دودل بودن، تردید داشتن، تلو تلو خوردن

س ۵۸۵: Startle ، ج: تکان دادن، از جا پراندن، جهش

س ۵۸۶: Thwart ، ج: بی نتیجه گذاردن، خنثی کردن، مخالفت کردن

س ۵۸۷: Bay ، ج: دفاع کردن در مقابل، عاجز کردن

س ۵۸۸: Commonplace ، ج: پیش پا افتاده، معمولی، همه جایی

س ۵۸۹: Reunion ، ج: انجمن، اجتماع

س ۵۹۰: Linger ، ج: درنگ کردن، مردد بودن

س ۵۹۱: Decadent ، ج: منحط، رو بفساد رونده

س ۵۹۲: Taciturn ، ج: کم حرف، آرام

س ۵۹۳: Rescind ، ج: باطل ساختن، لغو

س ۵۹۴: Splinter ، ج: متلاشی شدن، تراشه

س ۵۹۵: Sarcastic ، ج: طعنه آمیز، نیشدار

س ۵۹۶: Slander ، ج: تهمت زدن

س ۵۹۷: Reptile ، ج: حیوان خزنده، آدم پست

س ۵۹۸: Quandary ، ج: سرگردانی، حیرت، معما

س ۵۹۹: Rabid ، ج: بداخلاق، متعصب، خشمگین

س ۶۰۰: Hopefully ، ج: ایشالا

س ۶۰۱: ShriII ، ج: تیز، روشن، جیغ کشیدن

س ۶۰۲: Gorge ، ج: گلو، شکم، زیاد خوردن

س ۶۰۳: Sporadic ، ج: تک و توک، پراکنده، انفرادی

س ۶۰۴: Devious ، ج: منحرف، گمراه

س ۶۰۵: Cunning ، ج: زیرک، مکار، حيله گری

س ۶۰۶: Deceptive ، ج: فریبنده

س ۶۰۷: Coercion ، ج: اجبار

س ۶۰۸: Duress ، ج: سختی، اجبار

س ۶۰۹: Fanatic ، ج: دیوانه، دارا احساسات شدید

س ۶۱۰: Rendezvous ، ج: میعاد، وعده گاه، قرار ملاقات گذاشتن

س ۶۱۱: Dawn ، ج: فجر، طلوع، آغاز شدن

س ۶۱۲: Sarcasm ، ج: ریشخند، طعنه

س ۶۱۳: Finery ، ج: زیور، آرایش

س ۶۱۴: Bribery ، ج: رشوه

س ۶۱۵: Captive ، ج: دستگیر کردن، اسیر

س ۶۱۶: Fury ، ج: غضب، آشوب، اضطراب، شدت

س ۶۱۷: Foul ، ج: گیر کردن، خلاف

س ۶۱۸: Pebble ، ج: سنگلاخ، سنگریزه

س ۶۱۹: Jagged ، ج: دندانه دار، ناهموار

س ۶۲۰: Muddle ، ج: خراب کردن، گیج کردن، درهم و برهم کردن

س ۶۲۱: Lieutenant ، ج: وکیل، ستوان

س ۶۲۲: Precaution ، ج: احتیاط، پیش بینی

س ۶۲۳: Homicide ، ج: آدم کشی، قتل

س ۶۲۴: Waterfront ، ج: اسکله، آب نما

س ۶۲۵: Mate ، ج: همدم، همسر، شاه مات کردن

س ۶۲۶: Graze ، ج: چراندن

س ۶۲۷: Swamp ، ج: پر آب شدن

س ۶۲۸: Superficial ، ج: ظاهری، سطحی

س ۶۲۹: Teem ، ج: فراوان بودن

س ۶۳۰: Fragile ، ج: شکننده، ضعیف

س ۶۳۱: Defiant ، ج: بی اعتنا، مخالف، جسور

س ۶۳۲: Unjust ، ج: غیر عادلانه، ستمگر، ناروا

س ۶۳۳: Perplex ، ج: گیج کردن، بهت زده کردن

Elapse :۶۴۸ ، ج: گذشتن، سپری شدن، سقوط

Endear :۶۳۴ ، ج: گران کردن، عزیز کردن

Halo :۶۴۹ ، ج: هاله، حلقه نور

Attendance :۶۳۵ ، ج: حضور، توجه، مراقبت

Forfeit :۶۵۰ ، ج: جریمه، خطا کردن، هدر کردن

Malicious :۶۳۶ ، ج: بر اندیش، از روی بدخواهی

Frugal :۶۵۱ ، ج: صرفه جو، مقتصد

Acquit :۶۳۷ ، ج: برطرف کردن، ادا کردن، پرداختن

Harass :۶۵۲ ، ج: خسته کردن، اذیت کردن

Pesticide :۶۳۸ ، ج: آفت کش، حشره کش

Hoard :۶۵۳ ، ج: اندوخته، ذخیره کردن

Creep :۶۳۹ ، ج: خزیدن، مورمور شدن

Potpourri :۶۵۴ ، ج: مخلوط، درهم و برهم، عطر گل

Rue :۶۴۰ ، ج: پشیمانی، دلسوزی کردن، افسوس خوردن

Meteor :۶۵۵ ، ج: شهاب سنگ

Ghost :۶۴۱ ، ج: روح، شبح

Alleviate :۶۵۶ ، ج: آرام کردن، کم کردن

Scrutiny :۶۴۲ ، ج: بررسی دقیق، رسیدگی، تحقیق

Laud :۶۵۷ ، ج: ستایش کردن، تمجید

Plausible :۶۴۳ ، ج: باور کردنی، محتمل

Dissent :۶۵۸ ، ج: جدا شدن، اختلاف عقیده داشتن

Phlegmatic :۶۴۴ ، ج: خونسرد و بی رگ

Superintend :۶۵۹ ، ج: ریاست کردن، نظارت کردن

Plagiarize :۶۴۵ ، ج: سرقت آثار ادبی از دیگران

Quell :۶۶۰ ، ج: سرکوب کردن، تسکین دادن

Abrupt :۶۴۶ ، ج: پرتگاه، ناگهانی، درشت، جدا کردن

Lethal :۶۶۱ ، ج: مهلک، مرگ آور

Inane :۶۴۷ ، ج: تهی، احمق، فضای نا محدود

Phlegm :۶۶۲ ، ج: خونسردی، سستی

س ۶۶۳: Lax ، ج: لخت، شل، رها کردن

س ۶۶۴: Aqueous ، ج: آبدار

س ۶۶۵: Naive ، ج: ساده، بی تجربه

س ۶۶۶: Hoax ، ج: گول زدن، دست انداختن

س ۶۶۷: Senile ، ج: پیر، سالخورده

س ۶۶۸: Indispensable ، ج: واجب، ناگزیر، ضروری

س ۶۶۹: Mere ، ج: مرداب، خالی، انحصاری، تنها

س ۶۷۰: Puny ، ج: کوچک، ضعیف

س ۶۷۱: Flour ، ج: آرد، پودر شدن

س ۶۷۲: Adventure ، ج: سرگذشت، حادثه، در معرض خطر بودن

س ۶۷۳: Hereby ، ج: بدینوسیله

س ۶۷۴: Recline ، ج: خم شدن، تکیه کردن، سرازیر کردن

س ۶۷۵: Conceal ، ج: پنهان کردن

س ۶۷۶: Corpse ، ج: جسد، لاشه

س ۶۷۷: Maid ، ج: دختر، پیشخدمت

س ۶۷۸: Weed ، ج: علف هرزه، پوشاک

س ۶۷۹: Vacate ، ج: تعطیل کردن، تهی کردن

س ۶۸۰: Spotlight ، ج: نور افکن

س ۶۸۱: Fortify ، ج: نیرومند کردن، تقویت کردن

س ۶۸۲: Extravagance ، ج: افراط

س ۶۸۳: Beforehand ، ج: پیشاپیش، قبلاً، آماده

س ۶۸۴: Vanish ، ج: ناپدید شدن، به صفر رسیدن

س ۶۸۵: Ponderous ، ج: وزین، خیلی کودن

س ۶۸۶: Mist ، ج: مه، غبار، ابهام

س ۶۸۷: Falsify ، ج: تحریف کردن، باطل ساختن

س ۶۸۸: Prognosticate ، ج: پیش بینی کردن، تشخیص مرض قلبی

س ۶۸۹: Beau ، ج: جوان شیک

س ۶۹۰: Butler ، ج: ناظر، پیشخدمت سفره، آبدارچی

س ۶۹۱: Vigor ، ج: قدرت، انرژی، توان



س ۶۹۲: Scissor ، ج: برش، تقسیم، اختلاف

س ۶۹۳: Villain ، ج: ناکس، پست، بد ذات

س ۶۹۴: Hoop ، ج: حلقه، تسمه، احاطه کردن

س ۶۹۵: Immoderate ، ج: بی اعتدال، زیاد

س ۶۹۶: Exorbitant ، ج: گزاف

س ۶۹۷: Cellar ، ج: زیرزمین، انبار

س ۶۹۸: Dine ، ج: ناهار خوردن، شام دادن

س ۶۹۹: Leftover ، ج: بقایا، پس مانده

س ۷۰۰: Recite ، ج: از بر خواندن

س ۷۰۱: Surgeon ، ج: جراح

س ۷۰۲: Cloak ، ج: ردا، پنهان کردن

س ۷۰۳: Frank ، ج: رک گو، نیرومند، معاف کردن

س ۷۰۴: Indigent ، ج: تهی دست

س ۷۰۵: Abolish ، ج: برانداختن، منسوخ کردن

س ۷۰۶: Altogether ، ج: روی هم رفته، کاملاً، منصفاً

س ۷۰۷: Bandit ، ج: سارق مسلح، راهزن

س ۷۰۸: Handicap ، ج: آوانس، امتیاز داد، مانع

س ۷۰۹: Tact ، ج: عقل، ملاحظه، مهارت، سلیقه

س ۷۱۰: Keen ، ج: تیز کردن، شدید بودن، نوحه سرائی، باهوش، مشتاق

س ۷۱۱: Knight ، ج: سلحشور، قهرمان، نجیب زاده

س ۷۱۲: Vacant ، ج: خالی، بیکار، اشغال نشده

س ۷۱۳: Bachelor ، ج: لیسانسه، مهندس، مجرد

س ۷۱۴: Mediation ، ج: میانجیگری، وساطت

س ۷۱۵: Accustom ، ج: عادت داد، آشنا کردن، معتاد ساختن

س ۷۱۶: Impasse ، ج: تنگنا، بن بست

س ۷۱۷: Loaf ، ج: کله قند، وقت تلف کردن، ولگردی

س ۷۱۸: Shrub ، ج: بوته

س ۷۱۹: Puddle ، ج: گودال، دست انداز، گل آلود کردن

س ۷۲۰: Prohibit ، ج: منع کردن، نهی

س ۷۲۱: Flabby ، ج: سست، شل و ول

س ۷۲۲: Absurd ، ج: پوچ، ناپسند، مضحک

س ۷۲۳: Contest ، ج: مشاجره، رقابت

س ۷۲۴: Costume ، ج: لباس

س ۷۲۵: Gallant ، ج: دلاور، شجاع

س ۷۲۶: Anecdote ، ج: حکایت، قصه، ضرب المثل

س ۷۲۷: Upbringing ، ج: تربیت، پرورش

س ۷۲۸: Gest ، ج: حرکت، هم صحبت، رفتار، قیافه، اشاره

س ۷۲۹: Cot ، ج: تختخواب سفری، رختخواب بچگانه

س ۷۳۰: Muddy ، ج: گل آلود، گلی کردن

س ۷۳۱: Soap ، ج: صابون، صابون زدن

س ۷۳۲: March ، ج: سیر و روش، پیشروی، راهپیمائی کردن

س ۷۳۳: Imbibe ، ج: نوشیدن، فرو بردن

س ۷۳۴: Incumbent on/upon ، ج: متصدی، ناگزیر

س ۷۳۵: Pensive ، ج: متفکر، محزون

س ۷۳۶: Fatalism ، ج: اعتقاد به سرنوشت

س ۷۳۷: Antithesis ، ج: تضاد، تناقض

س ۷۳۸: Intervene ، ج: مداخله کردن

س ۷۳۹: Incompetent ، ج: نا مناسب

س ۷۴۰: Altercate ، ج: ستیزه کردن، مشاجره کردن

س ۷۴۱: Pier ، ج: حرز، ستون، اسکله

س ۷۴۲: Inundate ، ج: اشباع کردن

س ۷۴۳: Impeccable ، ج: بی عیب و نقص

س ۷۴۴: Provoke ، ج: تحریک کردن، خشمگین کردن

س ۷۴۵: Affluent ، ج: فراوان

س ۷۴۶: Gesticulate ، ج: با سر و دست اشاره کردن

س ۷۴۷: Prolific ، ج: حاصلخیز، نیرومند، فراوان

س ۷۴۸: Cite ، ج: ذکر کردن، گفتن

س ۷۴۹: Maneuver ، ج: مانور

س ۷۵۰: Medieval ، ج: قرون وسطی

س ۷۵۱: Muff ، ج: دست پوش، ناشی، خیطی بالا آوردن

س ۷۵۲: Fume ، ج: دود، بخار، دود دادن، با غضب حرف زدن

س ۷۵۳: Incarcerate ، ج: زندانی کردن

س ۷۵۴: Indolent ، ج: سست، تنبل

س ۷۵۵: Stitch ، ج: بخیه زدن

س ۷۵۶: Parish ، ج: بخش، شهر، اهل محله

س ۷۵۷: Incriminate ، ج: گرفتار کردن، تهمت زدن

س ۷۵۸: Sergeant ، ج: گروه‌بان، مامور اجرا

س ۷۵۹: Chop ، ج: بریدن، جدا کردن

س ۷۶۰: Haughty ، ج: مغرور

س ۷۶۱: Arrogant ، ج: متکبر، گستاخ

س ۷۶۲: Insolent ، ج: گستاخ، جسور

س ۷۶۳: Innocuous ، ج: بی ضرر

س ۷۶۴: Inept ، ج: بی عرضه، بی معنی، نادان

س ۷۶۵: Corrosive ، ج: خورنده، فاسد کننده

س ۷۶۶: Torn ، ج: پاره شده

(اسم مفعول tear)

س ۷۶۷: Harsh ، ج: تند، درشت، زننده، خشن

س ۷۶۸: Wary ، ج: محتاط، هشیار

س ۷۶۹: Addict ، ج: اعتیاد ادن، خو دادن، موتاد

س ۷۷۰: Toothpick ، ج: خلال دندان

س ۷۷۱: Moisten ، ج: نمدار کردن، مرطوب شدن

س ۷۷۲: Approve ، ج: تصویب کردن، آزمایش کردن

س ۷۷۳: Vicious ، ج: بدکار، نادرست

س ۷۷۴: Worthy ، ج: سزاوار، شایسته

س ۷۷۵: Miserable ، ج: بدبخت

س ۷۷۶: Surpass ، ج: پیش افتادن از، بهتر بودن از

س ۷۷۷: Salute ، ج: سلام، احترام نظامی

س ۷۷۸: Turf ، ج: چمن

س ۷۷۹: Caustic ، ج: نیشدار، سوزش آور، تند

س ۷۸۰: Overlook ، ج: مسلط بودن، چشم انداز، چشم پوشی کردن

س ۷۸۱: Lay ، ج: خواباندن، دفن کردن

س ۷۸۲: Bump ، ج: دست انداز، برآمدگی

س ۷۸۳: Culpable ، ج: مقصر، مجرم

س ۷۸۴: Digress ، ج: پرت شدن (از موضوع)، گریز زدن

س ۷۸۵: Spike ، ج: میخ، میخکوب کردن

س ۷۸۶: Swell ، ج: تورم، باد کردن، برجسته، شیک

س ۷۸۷: Temper ، ج: درست ساختن، ملایم کردن، حالت، خو

س ۷۸۸: Comic strip ، ج: کارتون، فیلم های نقاشی شده

س ۷۸۹: Condone ، ج: اغماض، بخشیدن

س ۷۹۰: Persuasion ، ج: تشویق، تحریک، متقاعد سازی، اطمینان

س ۷۹۱: Cajoleole ، ج: گول زدن، چاپلوسی

س ۷۹۲: Sarcastic ، ج: طعنه آمیز، نیشدار

س ۷۹۳: Steak ، ج: باریکه گوشت کبابی

س ۷۹۴: Pretend ، ج: وانمود کردن

س ۷۹۵: Marvelous ، ج: عجیب، جالب

س ۷۹۶: Farcus ، ج: تقلید، مسخرگی، کار بیهوده

س ۷۹۷: Breeze ، ج: نسیم، باد ملایم

س ۷۹۸: Benign ، ج: مهربان، بی خطر

س ۷۹۹: Philanthropy ، ج: بشر دوستی

س ۸۰۰: Agnostic ، ج: عرفای منکر وجود خدا  
atheist =

س ۸۰۱: Avid ، ج: حریص، مشتاق، متمایل

س ۸۰۲: Virulent ، ج: زهرآگین، بدخیم

س ۸۰۳: Cliche ، ج: کلمه مبتذل

س ۸۰۴: Bizare ، ج: عجیب، خیالی

س ۸۰۵: Spoil ، ج: غنیمت، تباهی، فاسد کردن

س ۸۰۶: Inaugurate ، ج: گشودن، افتتاح کردن

س ۸۰۷: Exacerbate ، ج: تشدید کردن، بدتر کردن، برانگیختن

س ۸۰۸: Lap ، ج: دامن، لباس، تا کردن، پیچیدن، با صدا خوردن

س ۸۰۹: Gleam ، ج: نور ضعیف، سوسو زدن

س ۸۱۰: Hazy ، ج: مه دار، مبهم، گیج

س ۸۱۱: Belligerent ، ج: جنگجو

س ۸۱۲: Covert ، ج: نهان، پناهگاه

س ۸۱۳: Snap ، ج: گسیختن، قاپیدن، عجله

س ۸۱۴: Denounce ، ج: علیه کسی حرف زدن

س ۸۱۵: Outfield ، ج: بیرون از محیط

س ۸۱۶: Clandestine ، ج: مخفی، غیر مشروع

س ۸۱۷: Conspire ، ج: توطئه کردن، هم پیمانی

س ۸۱۸: Brawl ، ج: داد و بیداد، سر و صدا کردن، جنگال

س ۸۱۹: Bulky ، ج: بزرگ، جسیم

س ۸۲۰: Overthrow ، ج: بهم زدن، منقرض کردن

س ۸۲۱: Consent ، ج: موافقت، راضی شدن

س ۸۲۲: Flattery ، ج: چاپلوسی، تملق

س ۸۲۳: Persuade ، ج: وادار کردن، ترغیب کردن

س ۸۲۴: Revive ، ج: زنده شدن، نیروی تازه دادن، بهوش آمدن

س ۸۲۵: Coax ، ج: نوازش کردن، ریشخند کردن

س ۸۲۶: Placid ، ج: آرام، راحت، متین

س ۸۲۷: Coere ، ج: بزور وادار کردن

س ۸۲۸: Exult ، ج: شادی کردن، جست و خیز

س ۸۲۹: Evidence ، ج: گواه، مدرک، شهادت دادن، ثابت کردن

س ۸۳۰: Janitor ، ج: دربان، سرایدار

س ۸۳۱: Wager ، ج: شرط بندی کننده

س ۸۳۲: Sinister ، ج: گمراه کننده، خطا، فاسد، شیطانی

س ۸۳۳: Lucid ، ج: شفاف، واضح، سالم

س ۸۳۴: Contraband ، ج: قاچاق، کالای قاچاق

س ۸۳۵: Nemesis ، ج: انتقام، قصاص

س ۸۳۶: Portray ، ج: تصویر کشیدن، مجسم کردن

س ۸۳۷: Nomad ، ج: چادر نشین، صحرا نشین

س ۸۳۸: Orphan ، ج: یتیم، یتیم کردن

س ۸۳۹: Bully ، ج: پهلوان، تحکیم کردن، کلفت، گوشت

س ۸۴۰: Morbid ، ج: ناسالم، مریض، وحشت آور

س ۸۴۱: Gruesome ، ج: مخوف، نفرت انگیز

س ۸۴۲: Frigid ، ج: بسیار سرد، منجمد

س ۸۴۳: Venom ، ج: زهر، مسموم کردن

س ۸۴۴: Brute ، ج: حیوان صفت، بی رحم

س ۸۴۵: Dupe ، ج: ساده لوح

س ۸۴۶: Acclimate ، ج: مانوس شدن

س ۸۴۷: Confer ، ج: مشورت کردن، مراجعه کردن، اعطا کردن

س ۸۴۸: Abate ، ج: فروکش کردن، تخفیف دادن، تنزل

س ۸۴۹: Acme ، ج: اوج، نقطه کمال، بحران

س ۸۵۰: Slum ، ج: محله کثیف، خیابان پر جمعیت

س ۸۵۱: Shriek ، ج: جیغ زدن، فریاد

س ۸۵۲: Usurp ، ج: ربودن، غضب کردن

س ۸۵۳: Whelm ، ج: غرق کردن، احاطه کردن

س ۸۵۴: Ludicrous ، ج: خنده آور، چرند

س ۸۵۵: Nefarious ، ج: زشت، نابکار، ناهنجار

س ۸۵۶: Contrary ، ج: مخالف، معکوس

س ۸۵۷: Cosmetic ، ج: فن آرایش و تضمین

س ۸۵۸: Vigil ، ج: احیا، دعای شب

س ۸۵۹: Dense ، ج: متراکم، احمق

س ۸۶۰: Lucrative ، ج: سودمند، موفق

س ۸۶۱: Penitent ، ج: توبه کار، نادم

س ۸۶۲: Perjury ، ج: سوگند شکنی، گواهی دروغ

س ۸۶۳: Obligate ، ج: ضامن سپردن، متعهد شدن

س ۸۶۴: Odious ، ج: نفرت انگیز

س ۸۶۵: Parsimonious ، ج: صرفه جو

س ۸۶۶: Scarce ، ج: کمیاب، ندرتا

س ۸۶۷: Irritate ، ج: عصبانی کردن، رنجاندن

س ۸۶۸: Whip ، ج: شلاق زدن، تازیانه

س ۸۶۹: Concur ، ج: موافقت کردن، هم رای بودن

س ۸۷۰: Creak ، ج: شکایت کردن

س ۸۷۱: Furtive ، ج: دزدکی، مخفی، رمزی

س ۸۷۲: Viva ، ج: زنده باد!

س ۸۷۳: Stare ، ج: خیره شدن

س ۸۷۴: Prominent ، ج: برجسته، والا

س ۸۷۵: Discern ، ج: تشخیص دادن

س ۸۷۶: Siege ، ج: احاطه، محاصره کردن

س ۸۷۷: Recipe ، ج: دستورالعمل، دستور آشپزی

س ۸۷۸: Testimony ، ج: گواهی، مردک، دلیل، اظهار

س ۸۷۹: Myraid ، ج: هزارها بیشمار

س ۸۸۰: Chagrin ، ج: غم و غصه، آزرده کردن

س ۸۸۱: Paucity ، ج: معدود، کمیابی، ندرت

س ۸۸۲: Adroit ، ج: زرنگ، ماهر

س ۸۸۳: Cemetery ، ج: قبرستان

س ۸۸۴: Debris ، ج: خرده، باقی مانده، آوار

س ۸۸۵: Dearth ، ج: کمیابی و گرانی، کمبود

س ۸۸۶: Coup ، ج: برهم زدن، کودتا

س ۸۸۷: Cop ، ج: پلیس، پاسبان

س ۸۸۸: Mundane ، ج: دنیوی، خاکی

س ۸۸۹: Coerce ، ج: بزور وادار کردن، ناگزیر کردن

س ۸۹۰: Malevolent ، ج: نحس، بدخواه

س ۸۹۱: Valor ، ج: شجاعت، اهمیت

س ۸۹۲: Coffin ، ج: تابوت

س ۸۹۳: Hatch ، ج: دریچه، نتیجه

س ۸۹۴: Uneventful ، ج: بی حادثه، بدون رویداد مهم

س ۸۹۵: Whistle ، ج: سوت زدن

س ۸۹۶: Deserve ، ج: شایستگی، سزاوار بودن

س ۸۹۷: Mighty ، ج: نیرومند، توانا، بزرگ

س ۸۹۸: Bunt ، ج: اصلاح کردن

س ۸۹۹: Mockery ، ج: استهزا، زحمت بیهوده

س ۹۰۰: Rehearsal ، ج: تکرار ، تمرین

س ۹۰۱: Veteran ، ج: کهنه کار، کارازموده

س ۹۰۲: Swamp ، ج: پر آب شدن

س ۹۰۳: Valley ، ج: شیار، دره

س ۹۰۴: Twinkle ، ج: چشمک زدن، تلالو

س ۹۰۵: Patriotic ، ج: میهن دوست

س ۹۰۶: Scold ، ج: آدم بد دهان، بد اخلاقی کردن

س ۹۰۷: Abuse ، ج: سو استفاده، ضایع کردن

س ۹۰۸: Mumble ، ج: زیرلب سخن گفتن، من من کردن

س ۹۰۹: Distress ، ج: توقیف، مضطرب کردن

س ۹۱۰: Chimney ، ج: کوره، دودکش، تنور

س ۹۱۱: Poke ، ج: ضربه، فشار با نوک انگشت

س ۹۱۲: Untidy ، ج: درهم و برهم، نامرتب

س ۹۱۳: Drench ، ج: خیساندن، نوشانیدن، آب دادن

س ۹۱۴: Discard ، ج: دور انداختن، ترک کردن

س ۹۱۵: Utensil ، ج: دستگاه، اسباب، ظروف

س ۹۱۶: Foolish ، ج: مزخرف، دیوانه، ابلهانه

س ۹۱۷: Inoculate ، ج: تلقیح کردن، آغشتن

س ۹۱۸: Surrender ، ج: واگذاری، تحویل دادن، صرف نظر

س ۹۱۹: Cheer ، ج: هورا، تشویق کردن

س ۹۲۰: Entitle ، ج: حق دادن، لقب دادن

س ۹۲۱: Recklessness ، ج: بی باکی، بی پروائی

س ۹۲۲: Hostel ، ج: شبانه روزی (دانشکده)، هتل



س ۹۲۳: Clown ، ج: مسخره، دلقک

س ۹۲۴: Accuse ، ج: متهم کردن، تهمت زدن

س ۹۲۵: Dean ، ج: رئیس کلیسا، ریش سفید

س ۹۲۶: Parachute ، ج: چتر نجات، با چتر پریدن

س ۹۲۷: Tribe ، ج: تبار، قبیله

س ۹۲۸: Torture ، ج: شکنجه، عذاب دادن

س ۹۲۹: Forgery ، ج: جعل اسناد، سندسازی

س ۹۳۰: Afresh ، ج: از نو، دوباره

س ۹۳۱: Obedient ، ج: فرمانبردار، مطیع، رام

س ۹۳۲: Disorder ، ج: بی نظمی، اختلال

س ۹۳۳: Charter ، ج: اجاره کشتی

س ۹۳۴: Kneel ، ج: زانو زدن

س ۹۳۵: Tumult ، ج: هنگامه، غوغا، اغتشاش کردن

س ۹۳۶: Plague ، ج: آفت، آزار رساندن

س ۹۳۷: Exile ، ج: تبعید کردن

س ۹۳۸: Whisper ، ج: پچ پچ کردن، نجوا

س ۹۳۹: Coast ، ج: کنار دریا، سرازیر رفتن

س ۹۴۰: Rash ، ج: تند، عجول، بی احتیاط

س ۹۴۱: Grant ، ج: اعطا کردن، اجازه دادن

س ۹۴۲: Benedict ، ج: مبارک، خجسته، ملایم

س ۹۴۳: Stingy ، ج: خسیس

س ۹۴۴: Blink ، ج: چشمک زدن، نگاه مختصر

س ۹۴۵: Descendant ، ج: نوه، نسل، اولاد

س ۹۴۶: Summon ، ج: احضار کردن، فراخوانی، دعوت

س ۹۴۷: Wilfull ، ج: عمدی، ارادی

س ۹۴۸: Rip ، ج: گرداب، شکافتن

س ۹۴۹: Drought ، ج: خشکی

س ۹۵۰: Grumble ، ج: غرغر کردن

س ۹۵۱: Squander ، ج: تلف کردن، ولخرجی

س ۹۵۲: Abide ، ج: ایستادگی کردن، منتظر شدن، وفا کردن

س ۹۵۳: Fraternity ، ج: برادری، صنف، اتحادیه

س ۹۵۴: Tide ، ج: جذر و مد، اتفاق افتادن

س ۹۵۵: Fort ، ج: حصار، قلعه، تقویت کردن، قوی

س ۹۵۶: Fellow ، ج: شخص، آدم، یارو

س ۹۵۷: Attorney ، ج: حقوقدان، وکیل

س ۹۵۸: Generous ، ج: بخشنده، زیاد

س ۹۵۹: Dejected ، ج: افسرده

س ۹۶۰: Literature ، ج: ادبیات

س ۹۶۱: Recede ، ج: کنار کشیدن، خودداری کردن

س ۹۶۲: Vandal ، ج: خرابگر

س ۹۶۳: Withdraw ، ج: برداشتن، پس زدن، ترک کردن

س ۹۶۴: Beard ، ج: خوسه، ریش دار کردن

س ۹۶۵: Thrifty ، ج: خانه دار، صرفه جو، مقتصد

س ۹۶۶: Howl ، ج: فریاد زدن، عزاداری کردن

س ۹۶۷: Uproar ، ج: شورش، همهمه، غوغا

س ۹۶۸: Jolly ، ج: خوشحال، بذله گو

س ۹۶۹: Pour ، ج: جاری شدن، پاشیدن

س ۹۷۰: Pierce ، ج: شکستن، نفوذ کردن

س ۹۷۱: ShriII ، ج: تیز، روشن، جیغ کشیدن

س ۹۷۲: Mud ، ج: لجن، گل آلود کردن

س ۹۷۳: Witty ، ج: شوخ، کنایه دار

س ۹۷۴: Swift ، ج: سریع

س ۹۷۵: Pitcher ، ج: کوزه، پارچ

س ۹۷۶: Bout ، ج: درباره

about =

س ۹۷۷: Chin ، ج: چانه

س ۹۷۸: Wound ، ج: پیچیده شدن، زخمی کردن، پیچانده

س ۹۷۹: Amend ، ج: اصلاح کردن، بهبودی، تغییر

س ۹۸۰: Ponder ، ج: سنجیدن، اندیشه کردن

س ۹۸۱: Habilitate ، ج: شایستگی داشتن، مجهز کردن

س ۹۸۲: Porch ، ج: ایوان، دالان

س ۹۸۳: Complacent ، ج: از خود راضی

س ۹۸۴: Corpulent ، ج: فربه، جسیم

س ۹۸۵: Municipal ، ج: شهری، وابسته به شهرداری

س ۹۸۶: Preoccupied ، ج: گرفتار، پر مشغله، شیفته

س ۹۸۷: Spontaneous ، ج: خود بخود، فوری، بی اختیار

س ۹۸۸: Riot ، ج: غوغا، اغتشاش، شورش کردن

س ۹۸۹: Regiment ، ج: دسته دسته کردن، تنظیم کردن

س ۹۹۰: Pension ، ج: جیره، مستمری، حقوق

س ۹۹۱: Barb ، ج: نوک، پیکان، ریش

س ۹۹۲: Rage ، ج: طغیان، دیوانگی

س ۹۹۳: Inmate ، ج: مقیم، ساکن

س ۹۹۴: Interference ، ج: تداخل، معارضه

س ۹۹۵: Obstacle ، ج: مانع، پاگیر

س ۹۹۶: Turn out ، ج: تولید کردن، اجتماع

س ۹۹۷: Snub ، ج: پهن و کوتاه، جلوگیری، سرزنش کردن

س ۹۹۸: Sweep ، ج: پیچ و خم، رفت و برگشت

س ۹۹۹: Skeptic ، ج: شکاک، مشکوک

س ۱۰۰۰: Velvet ، ج: نرم، مخملی

س ۱۰۰۱: Sofa ، ج: مبل فنری

س ۱۰۰۲: Chubby ، ج: چاق، پهن رخسار

س ۱۰۰۳: Mound ، ج: برآمدگی، تپه

س ۱۰۰۴: Annihilation ، ج: نابودی، فنا

س ۱۰۰۵: Swindle ، ج: گول زدن، فریب، کلاهبرداری

س ۱۰۰۶: Calamity ، ج: بلا، بیچارگی، فاجعه

س ۱۰۰۷: Brainchild ، ج: تصویری، خیالی

س ۱۰۰۸: Kinsman ، ج: خویشاوند (مذکر)

س ۱۰۰۹: Slaughter ، ج: خونریزی، کشتار کردن

س ۱۰۱۰: Hook ، ج: بدان انداختن، قلاب

س ۱۰۱۱: Ally ، ج: پیوستن، متحد کردن، دوست

س ۱۰۱۲: Cattle ، ج: احشام، گله کاو

س ۱۰۱۳: Parasol ، ج: سایبان، پتر آفتابی

س ۱۰۱۴: Resentful ، ج: بی میل

س ۱۰۱۵: Terse ، ج: مختصر و مفید

س ۱۰۱۶: Downpour ، ج: بارندگی زیاد

س ۱۰۱۷: Fleet ، ج: ناوگان، تند رفتن

س ۱۰۱۸: Ditch ، ج: راه آب، گودال کنندن

س ۱۰۱۹: Conflict ، ج: ستیزه، کشاکش، برخورد

س ۱۰۲۰: Henchman ، ج: پیرو، نوکر

س ۱۰۲۱: Notorious ، ج: بدنام، رسوا

س ۱۰۲۲: Scorn ، ج: تمسخر کردن، بی اعتنائی، اهانت

س ۱۰۲۳: Abroad ، ج: پهن، گسترش یافته، خارج از کشور

س ۱۰۲۴: Chuckle ، ج: با دهان بسته خندیدن

س ۱۰۲۵: Drastic ، ج: موثر، قوی، جدی

س ۱۰۲۶: Wharf ، ج: بار انداز، محکم مهار کردن

س ۱۰۲۷: Heave ، ج: انداختن، برآمدگی، کشیدن

س ۱۰۲۸: Ridicule ، ج: استهزا، دست انداختن

س ۱۰۲۹: Ballot ، ج: رای مخفی، قرعه کشیدن

س ۱۰۳۰: Tempest ، ج: تندباد، هیجان

س ۱۰۳۱: Constitution ، ج: اساسنامه، تاسیس

س ۱۰۳۲: Dure ، ج: تحمل کردن، بردباری

endure =

س ۱۰۳۳: Starve ، ج: گرسنگی

س ۱۰۳۴: Jeopardize ، ج: بخطر انداختن

س ۱۰۳۵: Lawn ، ج: محوطه چمن

س ۱۰۳۶: Overeat ، ج: پر خوردن

س ۱۰۳۷: Lessen ، ج: کمتر شدن، تخفیف یافتن

س ۱۰۳۸: Boast ، ج: بالیدن، خودستائی

س ۱۰۳۹: Matrimony ، ج: زناشوئی، عروسی، ازدواج

س ۱۰۴۰: Hasty ، ج: با عجله، زودرس، دستپاچه

س ۱۰۴۱: Buncombe ، ج: حرف چرند، چاخان، توخالی

س ۱۰۴۲: Jewish ، ج: یهودی  
jew =

س ۱۰۴۳: Decline ، ج: نقصان، کاهش، نپذیرفتن

س ۱۰۴۴: Indistinct ، ج: نامعلوم، ناشنوا، درهم، آهسته

س ۱۰۴۵: Ahead ، ج: رو بجلو

س ۱۰۴۶: Lengthwise ، ج: از طول، بلند

س ۱۰۴۷: Assertive ، ج: مثبت، اظهار کننده، مدعی

س ۱۰۴۸: Sting ، ج: سوزش، گزیدن

س ۱۰۴۹: Poverty ، ج: تنگدستی، کمیابی

س ۱۰۵۰: Wrath ، ج: خشم، غضب

س ۱۰۵۱: Beset ، ج: حمله کردن، مضطرب کردن، احاطه

س ۱۰۵۲: Vague ، ج: مبهم، غیر معلوم

س ۱۰۵۳: Multitude ، ج: گروه بسیار، انبوه

س ۱۰۵۴: Sympathy ، ج: همدمی، دلسوزی

س ۱۰۵۵: Aggravate ، ج: بدتر کردن، اضافه کردن، خشمگین کردن

س ۱۰۵۶: Tablecloth ، ج: سفره، رومیزی

س ۱۰۵۷: Scorch ، ج: تاول زدن، سوختگی

س ۱۰۵۸: Incident ، ج: رویداد، ظهور کردن

س ۱۰۵۹: Jail ، ج: زندان، حبس کردن

س ۱۰۶۰: Narcotic ، ج: مسکن، ماده مخدره

س ۱۰۶۱: Drowsiness ، ج: خواب آلودگی، کسالت

س ۱۰۶۲: Coeducational ، ج: مختلط، پسرانه و دخترانه

س ۱۰۶۳: Avail ، ج: سودمند بودن، کمک، ارزش

س ۱۰۶۴: Nominate ، ج: کاندید کردن، معرفی کردن، نامزد کردن

س ۱۰۶۵: Furious ، ج: خشمناک، متعصب

س ۱۰۶۶: Ladder ، ج: نردبان، پله

س ۱۰۶۷: Tray ، ج: سینی، حمام

س ۱۰۶۸: Heir ، ج: جانشین، ارث بردن، جانشین شدن

س ۱۰۶۹: Throne ، ج: تخت شاهی

س ۱۰۷۰: Dignify ، ج: تکریم کردن

س ۱۰۷۱: Coincide ، ج: همزمان بودن، منطبق شدن

س ۱۰۷۲: Auditorium ، ج: تالار کنفرانس

س ۱۰۷۳: Concussion ، ج: صدمه، ضربه سخت

س ۱۰۷۴: Shrink ، ج: آب رفتن، چروک شدن

س ۱۰۷۵: Wade ، ج: به آب زدن، به سختی رفتن

س ۱۰۷۶: Surplus ، ج: اضافی، زیادی

س ۱۰۷۷: Traitor ، ج: خائن

س ۱۰۷۸: Betray ، ج: لو دادن، تسلیم کردن

س ۱۰۷۹: Sneer ، ج: استهزا، نیشخند

س ۱۰۸۰: Accused ، ج: متهم

س ۱۰۸۱: Dismal ، ج: دلنگ کننده، ملال آور

س ۱۰۸۲: Needy ، ج: نیازمند

س ۱۰۸۳: Daze ، ج: گیج کردن

س ۱۰۸۴: Therapy ، ج: درمان، معالجه

س ۱۰۸۵: Peril ، ج: خطر جدی، مسئولیت

س ۱۰۸۶: Apology ، ج: پوزش، عذرخواهی

س ۱۰۸۷: Commend ، ج: ستودن

س ۱۰۸۸: Praise ، ج: تحسین کردن، پرستش، ستایش

س ۱۰۸۹: Possession ، ج: تملک، تسخیر

س ۱۰۹۰: Disastrous ، ج: مصیبت آمیز، منحوس

س ۱۰۹۱: Lodge ، ج: منزل، خیمه زدن

س ۱۰۹۲: Campaign ، ج: مبارزه، جنگیدن

س ۱۰۹۳: Brave ، ج: دلور، شجاع

س ۱۰۹۴: Appoint ، ج: برقرار کردن، مامور کردن تعیین

س ۱۰۹۵: Superstition ، ج: موهوم پرستی، خرافات

س ۱۰۹۶: Monument ، ج: مقبره، اثر تاریخی

س ۱۰۹۷: Assassinate ، ج: بقتل رساندن، ترور کردن

س ۱۰۹۸: Stoutness ، ج: گردن کلفتی

س ۱۰۹۹: Ailment ، ج: بیماری مزمن، درد و ناراحتی

س ۱۱۰۰: Din ، ج: صدای بلند، غوغا

س ۱۱۰۱: Dwindle ، ج: تحلیل رفتن، کم شدن تدریجی

س ۱۱۰۲: Invasion ، ج: تاراج، تجاوز، تهاجم

س ۱۱۰۳: Rebel ، ج: شورش کردن، یاغی

س ۱۱۰۴: Whereabout ، ج: محل تقریبی، مکان

س ۱۱۰۵: Mutilate ، ج: تحریف کردن، ناقص کردن

س ۱۱۰۶: Blot ، ج: لکه دار کردن، بدنامی، عیب

س ۱۱۰۷: Guzzle ، ج: بلعیدن، سرکشیدن

س ۱۱۰۸: Stove ، ج: بخاری، کوره

س ۱۱۰۹: Fallible ، ج: جایز الخطا

س ۱۱۱۰: Counterfeit ، ج: جعلی، جعل کردن

س ۱۱۱۱: Anniversary ، ج: سوگواری سالیانه، جشن یادگاری

س ۱۱۱۲: Slavery ، ج: بندگی، بردگی

س ۱۱۱۳: Allegiance ، ج: وفاداری، بیعت، تابعیت

س ۱۱۱۴: Envy ، ج: حسادت، غبطه خوردن

س ۱۱۱۵: Barge ، ج: سرزده وارد شدن، با قایق حمل کردن، کرجی

س ۱۱۱۶: Troth ، ج: وفاداری، راستی، نامزدی

س ۱۱۱۷: Sloppy ، ج: شلخته، درهم و برهم

س ۱۱۱۸: Tiptoe ، ج: با نوک پا راه رفتن

س ۱۱۱۹: Untie ، ج: باز کردن، گشودن، حل کردن

س ۱۱۲۰: Detest ، ج: نفرت داشتن از

س ۱۱۲۱: Contempt ، ج: تحقیر، اهانت

س ۱۱۲۲: Tip ، ج: محرمانه رساندن، نوک

س ۱۱۲۳: Scowl ، ج: اخم، ترشروئی

س ۱۱۲۴: Grief ، ج: غم و اندوه، رنجش

س ۱۱۲۵: Exoneate ، ج: تبرئه کردن

س ۱۱۲۶: Orphanage ، ج: پرورشگاه، یتیم خانه

س ۱۱۲۷: Suspicious ، ج: بدگمان، مشکوک

س ۱۱۲۸: Plaster ، ج: گچ کاری کردن

س ۱۱۲۹: Tile ، ج: کاشی

س ۱۱۳۰: Awkward ، ج: زشت، سرهم بند، غیر استادانه

س ۱۱۳۱: Cliff ، ج: دیواره، پرتگاه

س ۱۱۳۲: Foam ، ج: کف

س ۱۱۳۳: Beckon ، ج: اشاره کردن، با اشاره صدا زدن

س ۱۱۳۴: Pacify ، ج: صلح دادن، آرام کردن

س ۱۱۳۵: Confess ، ج: اقرار کردن، اعتراف

س ۱۱۳۶: Goddess ، ج: الهه، رب النوع

س ۱۱۳۷: Incite ، ج: انگیزتن، باصرار وارد کردن

س ۱۱۳۸: Tyranny ، ج: استبداد، حکومت ستمگرانه

س ۱۱۳۹: Funeral ، ج: مراسم دفن

س ۱۱۴۰: Collaps ، ج: از حال رفتن

س ۱۱۴۱: Quench ، ج: سخت کردن، فرو نشانیدن، دفع کردن

س ۱۱۴۲: Punctual ، ج: وقت شناس، خوش قول

س ۱۱۴۳: Swindler ، ج: گول زدن، قاچاق، کلاه بردار

س ۱۱۴۴: Hath ، ج: has

س ۱۱۴۵: Utter ، ج: مطلق، گفتن، فاش کردن

س ۱۱۴۶: Courteous ، ج: مودب، فروتن، مودبانه

س ۱۱۴۷: Unintentional ، ج: غیر عمدی

س ۱۱۴۸: Cub ، ج: توله، بچه شیر

س ۱۱۴۹: Peg ، ج: میخ زدن، تعیین حدود کردن

س ۱۱۵۰: Hostess ، ج: زن مهماندار

س ۱۱۵۱: Cripple ، ج: چلاق، زمینگیر

س ۱۱۵۲: Invade ، ج: تهاجم کردن، حمله



س ۱۱۵۳: Debtor ، ج: مدیون، بدهکار

س ۱۱۵۴: Assure ، ج: اطمینان دادن، بیمه کردن

س ۱۱۵۵: Undernourished ، ج: سو تغذیه

س ۱۱۵۶: Verse ، ج: شعر گفتن، به نظم آوردن

س ۱۱۵۷: Imprison ، ج: زندانی کردن، نگهداشتن

س ۱۱۵۸: Morality ، ج: صیرت، اخلاقیات

س ۱۱۵۹: Mob ، ج: انبوه مردم، ازدحام کردن

س ۱۱۶۰: Lava ، ج: گدازه، مواد مذاب

س ۱۱۶۱: Tyrant ، ج: حاکم ستمگر

س ۱۱۶۲: Arrest ، ج: توقیف کردن، جلوگیری کردن

س ۱۱۶۳: Commuter ، ج: تبدیل کردن، مسافرت کردن

س ۱۱۶۴: Hill ، ج: تپه، انباشتن

س ۱۱۶۵: Stumble ، ج: لغزیدن، تلو تلو خوردن

س ۱۱۶۶: Clumsily ، ج: ناشیانه

س ۱۱۶۷: Pauper ، ج: فقیر، بی نوا

س ۱۱۶۸: Comprehend ، ج: دریافتن، فراگرفتن

س ۱۱۶۹: Jest ، ج: لطیفه، گوشه کنایه، شوخی کردن

س ۱۱۷۰: Feeble ، ج: ضعیف، نحیف

س ۱۱۷۱: Pastry ، ج: شیرینی، شیرینی پزی

س ۱۱۷۲: Grieve ، ج: غمگین، غصه دار کردن، اذیت کردن

س ۱۱۷۳: Decay ، ج: تباهی، ضعیف شدن

س ۱۱۷۴: Realm ، ج: کشور، حدود، سلطنت

س ۱۱۷۵: Mourn ، ج: سوگواری، ماتم

س ۱۱۷۶: Frugal ، ج: صرفه جو، با صرفه، مقتصد

س ۱۱۷۷: Delinquent ، ج: مقصر، مجرم

س ۱۱۷۸: Roam ، ج: گردش کردن، تکاپو

س ۱۱۷۹: Subside ، ج: نشست کردن، فروکش کردن

س ۱۱۸۰: Scald ، ج: سوختگی، تاول زدن

س ۱۱۸۱: Customary ، ج: عادی، مرسوم، متعارف

س ۱۱۸۲: Dig ، ج: حفر کردن، فرو کردن

س ۱۱۸۳: Occupant ، ج: ساکن، مستاجر، اشغال کننده

س ۱۱۸۴: Ark ، ج: کشتی، قایق، صندوقچه

س ۱۱۸۵: Wail ، ج: شیون کردن، ناله

س ۱۱۸۶: Witch ، ج: ساحره، افسون کردن، مجذوب کردن

س ۱۱۸۷: Culprit ، ج: متهم، مقصر

س ۱۱۸۸: Ape ، ج: میمون، بوزینه

س ۱۱۸۹: Shack ، ج: کلبه، زیستن، کاشانه

س ۱۱۹۰: Biblical ، ج: وابسته به کتاب مقدس

س ۱۱۹۱: Legible ، ج: خوانا، روشن

س ۱۱۹۲: Mortuary ، ج: دفن، مرده ای

س ۱۱۹۳: Ethnic ، ج: نژادی، کافر، قومی

س ۱۱۹۴: Testify ، ج: تصدیق کردن، شهادت دادن

س ۱۱۹۵: Pond ، ج: استخر، مخزن، برکه

س ۱۱۹۶: Mortify ، ج: ریاضت دادن، کشتن، رنجاندن

س ۱۱۹۷: Unearth ، ج: از زیر خاک بیرون آوردن

س ۱۱۹۸: Clergy ، ج: مرد روحانی

س ۱۱۹۹: Complicated ، ج: پیچیده

س ۱۲۰۰: Take a vaction ، ج: رفتن به تعطیلات

س ۱۲۰۱: Conclusive ، ج: قطعی، نهائی

س ۱۲۰۲: Consideration ، ج: رسیدگی، توجه

س ۱۲۰۳: Construe ، ج: تفسیر کردن، استنباط کردن

س ۱۲۰۴: Regard ، ج: مراعات، ملاحظه کردن

س ۱۲۰۵: Tenty ، ج: مراقب، مواظب

س ۱۲۰۶: Threat ، ج: تهدید کردن

س ۱۲۰۷: Terrific ، ج: محشر

س ۱۲۰۸: Refute ، ج: تکذیب کردن

س ۱۲۰۹: Dormancy ، ج: رکود

س ۱۲۱۰: Disregard ، ج: نادیده گرفتن

س ۱۲۱۱: Postpone ، ج: به تعویق انداختن

س ۱۲۱۲: Pot ، ج: قوری

س ۱۲۱۳: Preacher ، ج: واعظ

س ۱۲۱۴: Distant ، ج: دور

س ۱۲۱۵: Distaste ، ج: بی رغبتی

س ۱۲۱۶: Diverse ، ج: گوناگون

س ۱۲۱۷: Conclusion ، ج: نتیجه، فرجام

س ۱۲۱۸: Dogmatist ، ج: متعصب

س ۱۲۱۹: Refuge ، ج: پناه

refugee = پناهنده

س ۱۲۲۰: Doubt ، ج: تردید

س ۱۲۲۱: Proscribe ، ج: تحریم کردن، نهی کردن

س ۱۲۲۲: Due ، ج: حق، بدهی

س ۱۲۲۳: Quite ، ج: کاملاً

س ۱۲۲۴: Take a nap ، ج: چرت زدن

س ۱۲۲۵: Rampant ، ج: شایع

س ۱۲۲۶: Reck ، ج: ترسیدن

س ۱۲۲۷: Redd ، ج: درست کردن

س ۱۲۲۸: Divest ، ج: محروم کردن

س ۱۲۲۹: Right away ، ج: فوراً

س ۱۲۳۰: Sway ، ج: تاب خوردن، جنبیدن

س ۱۲۳۱: Secretary ، ج: منشی

س ۱۲۳۲: Script ، ج: دستخط

س ۱۲۳۳: Sage ، ج: عاقل

س ۱۲۳۴: Rumor ، ج: شایعه

س ۱۲۳۵: Rug ، ج: قالیچه

س ۱۲۳۶: Rude ، ج: خشن، خام

س ۱۲۳۷: Rub off ، ج: پاک کردن

س ۱۲۳۸: Shower ، ج: دوش، دوش گرفتن

س ۱۲۳۹: Rope ، ج: طناب

س ۱۲۴۰: Shrive ، ج: اعتراف

س ۱۲۴۱: Retire ، ج: بازنشسته شدن

س ۱۲۴۲: Resolve ، ج: رفع کردن، تصمیم گرفتن

س ۱۲۴۳: Resign ، ج: استعفا دادن

س ۱۲۴۴: Rescue ، ج: رهانیدن

س ۱۲۴۵: Rescript ، ج: فرمان، حکم

س ۱۲۴۶: Rend ، ج: پاره کردن

س ۱۲۴۷: Reminisce ، ج: یادآوری کردن

س ۱۲۴۸: Relent ، ج: نرم شدن، رحم بدل آوردن، پشیمان شدن

س ۱۲۴۹: Reinforce ، ج: تقویت کردن، محکم کردن

س ۱۲۵۰: Rough ، ج: زبر و خشن، ناهموار

س ۱۲۵۱: Spatter ، ج: پاشیدن، آلودن

س ۱۲۵۲: Solitary ، ج: تنها، منزوی

س ۱۲۵۳: Supply ، ج: فرآورده

س ۱۲۵۴: Supplicate ، ج: درخواست کردن

س ۱۲۵۵: Summit ، ج: قله، اوج

س ۱۲۵۶: Sulk ، ج: قهر، اخم

س ۱۲۵۷: Suburb ، ج: حومه شهر

س ۱۲۵۸: Subtle ، ج: زیرک

س ۱۲۵۹: Stuff ، ج: کالا، چیز، پارچه

س ۱۲۶۰: Shallow ، ج: کم عمق

س ۱۲۶۱: Stound ، ج: لحظه، دوران

س ۱۲۶۲: Sylvatic ، ج: وحشی، جنگلی

س ۱۲۶۳: Sorely ، ج: بشدت، بسختی

س ۱۲۶۴: Sippy ، ج: مرطوب و لغزنده

س ۱۲۶۵: Abatement ، ج: کاهش، تخفیف، جلوگیری

س ۱۲۶۶: Regulate ، ج: تنظیم کردن، درست کردن

س ۱۲۶۷: Clap ، ج: کف زدن

س ۱۲۶۸: Soar ، ج: چشم درد

س ۱۲۶۹: Slip ، ج: اشتباه

س ۱۲۷۰: Sleek ، ج: نرم، صیقلی کردن

س ۱۲۷۱: Sigh ، ج: آه کشیدن، افسوس خوردن

س ۱۲۷۲: Strife ، ج: نزاع

س ۱۲۷۳: Bypass ، ج: گذرگاه

س ۱۲۷۴: Classmate ، ج: همکلاس

س ۱۲۷۵: Crude ، ج: خام

س ۱۲۷۶: Crisis ، ج: بحران

س ۱۲۷۷: Cribiform ، ج: مشبک

س ۱۲۷۸: Craft ، ج: مهارت، نیرنگ

س ۱۲۷۹: Crack up ، ج: سقوط

س ۱۲۸۰: Councilor ، ج: رایزن

س ۱۲۸۱: Contractor ، ج: پیمان کار

س ۱۲۸۲: Curse ، ج: نفرین

س ۱۲۸۳: Consumedly ، ج: بیش از حد

س ۱۲۸۴: Deficient ، ج: دارای کمبود

س ۱۲۸۵: Combustion ، ج: احتراق

س ۱۲۸۶: Come along ، ج: پیشرفت کردن

س ۱۲۸۷: Come off ، ج: تحقق یافتن

س ۱۲۸۸: Come to pass ، ج: رخ دادن

س ۱۲۸۹: Compart ، ج: جدا جدا کردن

س ۱۲۹۰: Compel ، ج: وادار کردن

س ۱۲۹۱: Comply ، ج: موافقت کردن، اجابت کردن

س ۱۲۹۲: Wist ، ج: آگاه کردن

س ۱۲۹۳: Bystander ، ج: تماشاچی

س ۱۲۹۴: Causeless ، ج: بی سبب، بی هدف

س ۱۲۹۵: Deceive ، ج: فریفتن، اغفال کردن

س ۱۲۹۶: Debt ، ج: بدهی، وام

debtor = مدیون، بدهکار

س ۱۲۹۷: Cash ، ج: پول نقد، نقد کردن

س ۱۲۹۸: Carry out ، ج: انجام دادن

س ۱۲۹۹: Carry on ، ج: ادامه دادن

س ۱۳۰۰: Capitation ، ج: سرانه، سرشماری

س ۱۳۰۱: Cantonment ، ج: اردوگاه

س ۱۳۰۲: Call off ، ج: صرف نظر کردن

س ۱۳۰۳: Cubic ، ج: مکعبی

س ۱۳۰۴: Cast away ، ج: رانده، مردود

س ۱۳۰۵: Despot ، ج: مستبد

س ۱۳۰۶: Pollution ، ج: آلودگی

س ۱۳۰۷: Glove ، ج: دستکش

س ۱۳۰۸: Collective ، ج: بهم پیوسته، جمعی

س ۱۳۰۹: Yagort ، ج: ماست

س ۱۳۱۰: Wrap ، ج: پیچیدن، بستن، پوشاندن

س ۱۳۱۱: Witness ، ج: شاهد، مدرک، شهادت دادن

س ۱۳۱۲: Defect ، ج: نقص و کاستی

س ۱۳۱۳: Defer ، ج: به تعویق انداختن

س ۱۳۱۴: Cabby ، ج: راننده تاکسی

س ۱۳۱۵: Clean cut ، ج: صریح، واضح

س ۱۳۱۶: Chimerical ، ج: خیالی، دمدمی

س ۱۳۱۷: Chink ، ج: شکاف، درز گرفتن

س ۱۳۱۸: Choke ، ج: خفه کردن، مسدود کردن

س ۱۳۱۹: Chummy ، ج: صمیمی، خوش مشرب

س ۱۳۲۰: Circa ، ج: در حدود، تقریباً

س ۱۳۲۱: Civilization ، ج: تمدن

س ۱۳۲۲: Claim ، ج: ادعا کردن

claimant = مدعی

س ۱۳۲۳: Clamour ، ج: سر و صدا، غوغا

س ۱۳۲۴: Wipe ، ج: پاک کردن، خشک کردن

س ۱۳۲۵: Claver ، ج: وراجی، گفتار بیهوده

انحراف = deviancy

س ۱۳۲۶: Treat ، ج: رفتار کردن، درمان کردن  
ram = treatable

س ۱۳۴۰: Devise ، ج: تعبیه کردن

س ۱۳۲۷: Clean up ، ج: تصفیه

س ۱۳۴۱: Diffidence ، ج: کم روئی

س ۱۳۲۸: Clement ، ج: بخشاینده، مهربان

س ۱۳۴۲: Disaffirm ، ج: نقض کردن

س ۱۳۲۹: Climax ، ج: قله و راس، به اوج رسیدن

س ۱۳۴۳: Disappoint ، ج: مایوس کردن

س ۱۳۳۰: Closefisted ، ج: خسیس

س ۱۳۴۴: Discrimination ، ج: فرق گذاری

س ۱۳۳۱: Tough ، ج: سفت، محکم

س ۱۳۴۵: Towel ، ج: حوله

س ۱۳۳۲: Toothpaste ، ج: خمیر دندان

س ۱۳۴۶: Disjunct ، ج: جدا شده، منفصل

س ۱۳۳۳: Cluster ، ج: خوشه، دسته

س ۱۳۴۷: Transmute ، ج: تبدیل کردن

س ۱۳۳۴: Displosion ، ج: انفجار

س ۱۳۴۸: Volunteer ، ج: داوطلب

س ۱۳۳۵: Classification ، ج: طبقه بندی

س ۱۳۴۹: Vendible ، ج: قابل فروش

س ۱۳۳۶: Wield ، ج: اداره کردن، گردانیدن

س ۱۳۵۰: Usance ، ج: مهلت، مدت، سود سرمایه

س ۱۳۳۷: Disprove ، ج: رد کردن

س ۱۳۵۱: Undertake ، ج: متعهد شدن

س ۱۳۳۸: Determine ، ج: تصمیم گرفتن، تعیین کردن

س ۱۳۵۲: Ugsome ، ج: مهیب، ترسناک

س ۱۳۳۹: Deviant ، ج: منحرف

س ۱۳۵۳: Twain ، ج: دو، دو تا

twin =

س ۱۳۵۴: Try on ، ج: امتحان کردن، پرو کردن

س ۱۳۵۵: Trill ، ج: جاری شدن

س ۱۳۵۶: Deride ، ج: تمسخر کردن  
derision = استهزا

س ۱۳۵۷: Disguise ، ج: تغییر قیافه دادن، لباس مبدل

س ۱۳۵۸: Imitation ، ج: تقلید، پیروی

س ۱۳۵۹: Longing ، ج: اشتیاق، آرزو

س ۱۳۶۰: Guilt ، ج: گناه، جرم

س ۱۳۶۱: Hero ، ج: قهرمان

س ۱۳۶۲: Hiking ، ج: پیاده روی

س ۱۳۶۳: Hold on ، ج: صبر کن

س ۱۳۶۴: Home sick ، ج: دلتنگ

س ۱۳۶۵: How much does it cost? ، ج: قیمت این چقدر است؟

س ۱۳۶۶: How often .. ، ج: هر چند وقت یکبار؟

س ۱۳۶۷: Grape ، ج: انگور

س ۱۳۶۸: Idiot ، ج: ابله، احمق

س ۱۳۶۹: Give me a ring ، ج: به من زنگ بزن

س ۱۳۷۰: Inclement ، ج: شدید، بی اعتدال

س ۱۳۷۱: Inobservant ، ج: بی دقت، بی اعتنا

س ۱۳۷۲: Interior ، ج: باطنی، درونی

س ۱۳۷۳: Is that ok? ، ج: مشکلی نیست؟

س ۱۳۷۴: Jury ، ج: هیئت منصفه

س ۱۳۷۵: Lament ، ج: تاسف خوردن، سوگواری

س ۱۳۷۶: Leap ، ج: جستن، پرش

س ۱۳۷۷: Leather ، ج: چرم

س ۱۳۷۸: Linkup ، ج: ملاقات

س ۱۳۷۹: Humid ، ج: مرطوب

س ۱۳۸۰: Drib ، ج: اندک



س ۱۳۸۱: Gratulate ، ج: تبریک گفتن، سلام کردن

س ۱۳۸۲: Poem ، ج: شعر  
poetry =

س ۱۳۸۳: Segregate ، ج: جدا، تفکیک

س ۱۳۸۴: Acquaint ، ج: آشنا کردن، مطلع کردن

س ۱۳۸۵: Ambit ، ج: پیرامون

س ۱۳۸۶: Blanket ، ج: روکش، پوشاندن

س ۱۳۸۷: Casual ، ج: اتفاقی، غیر رسمی

س ۱۳۸۸: Deliberate ، ج: عمدی

س ۱۳۸۹: Guile ، ج: حيله، خیانت

س ۱۳۹۰: Diffuse ، ج: منتشر کردن

س ۱۳۹۱: Expound ، ج: به تفصیل شرح دادن

س ۱۳۹۲: Excrete ، ج: دفع کردن، بیرون انداختن

س ۱۳۹۳: Bylaw ، ج: آئین نامه

س ۱۳۹۴: By and by ، ج: درآینده، کم کم

س ۱۳۹۵: Fluent ، ج: روان، سلیس

fluid = سیال، مایع

س ۱۳۹۶: Forge ، ج: جعل کردن سند

س ۱۳۹۷: Fridge ، ج: یخچال

س ۱۳۹۸: Frugality ، ج: صرفه جوئی

س ۱۳۹۹: Gamble ، ج: قمار کردن، شرط بندی کردن

س ۱۴۰۰: Get in ، ج: رسیدن

س ۱۴۰۱: Descent ، ج: نسب، نژاد

س ۱۴۰۲: Plaque ، ج: پلاک، نشان، لوحه

س ۱۴۰۳: Merit ، ج: شایستگی، لیاقت

س ۱۴۰۴: Miracle ، ج: معجزه، چیز عجیب

س ۱۴۰۵: Monolithic ، ج: یکپارچه

س ۱۴۰۶: Narrate ، ج: داستان سرائی

س ۱۴۰۷: Notability ، ج: اهمیت، شهرت

س ۱۴۰۸: Notion ، ج: تصور، اندیشه

س ۱۴۰۹: Olio ، ج: شلوغ، درهم و برهم

س ۱۴۱۰: Onus ، ج: تعهد

س ۱۴۱۱: Oust ، ج: برکنار کردن، دور کردن

س ۱۴۱۲: Outset ، ج: آغاز

س ۱۴۱۳: Oven ، ج: اجاق گاز

س ۱۴۱۴: Overrate ، ج: زیاد اهمیت دادن

س ۱۴۱۵: Pal ، ج: پار، شریک

س ۱۴۱۶: Mentor ، ج: مربی

س ۱۴۱۷: Petition ، ج: دادخواست، درخواست کردن

س ۱۴۱۸: Plain ، ج: پهن، مسطح

س ۱۴۱۹: Pillow ، ج: بالش

س ۱۴۲۰: Evince ، ج: ابراز داشتن

س ۱۴۲۱: Loose ، ج: رها، گشاده، ول

س ۱۴۲۲: Pill ، ج: قرص

س ۱۴۲۳: Palliate ، ج: تسکین دادن

س ۱۴۲۴: Pick a lesson (course) ، ج: واحد درسی گرفتن

س ۱۴۲۵: Pants ، ج: شلوار

س ۱۴۲۶: Perish ، ج: هلاک شدن

س ۱۴۲۷: Perfume ، ج: عطر

س ۱۴۲۸: Perceive ، ج: درک کردن، مشاهده کردن

س ۱۴۲۹: Penchant ، ج: میل شدید

س ۱۴۳۰: Parole ، ج: قول شرف

س ۱۴۳۱: Pang ، ج: درد سخت، اضطراب

س ۱۴۳۲: Pick up ، ج: سوار کردن

س ۱۴۳۳: Mail dish ، ج: غذای اصلی

س ۱۴۳۴: Meditate ، ج: عبادت کردن، تفکر کردن

س ۱۴۳۵: Luggage ، ج: چمدان، اثاث

س ۱۴۳۶: Make over ، ج: انتقال دادن

س ۱۴۳۷: Maybe some other time ، ج: شاید یک وقت دیگر

س ۱۴۳۸: Medley ، ج: اختلاط

س ۱۴۳۹: insurance ، ج: بیمه

س ۱۴۴۰: Meanwhile ، ج: ضمنا

س ۱۴۴۱: Fraud ، ج: کلاه برداری، شیاد

س ۱۴۴۲: Give over ، ج: ترک کردن، واگذار کردن

س ۱۴۴۳: Fake ، ج: تقلید، جعل

fakery = تقلب

س ۱۴۴۴: Bootless ، ج: بیپه‌وده

س ۱۴۴۵: Matey ، ج: صمیمانه

س ۱۴۴۶: Opportune ، ج: بموقع، مناسب

س ۱۴۴۷: Lend ، ج: قرض دادن

س ۱۴۴۸: Listless ، ج: بی میل، بی توجه

س ۱۴۴۹: Blow up ، ج: ترکاندن، عصبانی کردن

س ۱۴۵۰: Nonsense ، ج: یاهه

س ۱۴۵۱: Give up ، ج: منصرف شدن

س ۱۴۵۲: Metier ، ج: شغل، حرفه

س ۱۴۵۳: Nonchalant ، ج: سهل انگار

س ۱۴۵۴: Notice ، ج: خبر، اعلان

س ۱۴۵۵: Nonce ، ج: فعلا، عجالتا

س ۱۴۵۶: Foreword ، ج: پیش گفتار

س ۱۴۵۷: Complication ، ج: پیچیدگی

س ۱۴۵۸: Primacy ، ج: برتری، تقدم

س ۱۴۵۹: Rendition ، ج: تسلیم، بازگردانی

س ۱۴۶۰: Indeterminable ، ج: غیر قابل تعیین، بی حد و حصر

س ۱۴۶۱: Monopoly ، ج: انحصار، امتیاز انحصاری

س ۱۴۶۲: Benefaction ، ج: نیکی، بخشش

س ۱۴۶۳: Impartible ، ج: جدائی ناپذیر

س ۱۴۶۴: Broaden ، ج: پهن کردن، وسیع کردن

س ۱۴۶۵: expansion ، ج: توسعه

س ۱۴۶۶: Desktop publishing ، ج: نشر رومیزی

س ۱۴۶۷: Throughput ، ج: توان عملیاتی

س ۱۴۶۸: Doucumentation ، ج: مستند سازی

س ۱۴۶۹: Consistent ، ج: سازگار، استوار

س ۱۴۷۰: Privity ، ج: موضوع محرمانه

س ۱۴۷۱: Lease ، ج: اجاره، کرایه

rent =

س ۱۴۷۲: Clerk ، ج: منشی

س ۱۴۷۳: Serenity ، ج: آرامش

س ۱۴۷۴: Expert ، ج: متخصص

س ۱۴۷۵: interpret ، ج: تفسیر و ترجمه

س ۱۴۷۶: Lofty ، ج: ارجمند

س ۱۴۷۷: Liqueate ، ج: ذوب کردن

س ۱۴۷۸: Linn ، ج: استخر، دریاچه کوچک، آبشار

س ۱۴۷۹: Literacy ، ج: سواد

literate = با سواد

س ۱۴۸۰: Made up ، ج: ساختگی، تقلبی

س ۱۴۸۱: Lighten ، ج: سبک کردن، راحت کردن

س ۱۴۸۲: Liberal ، ج: آزادی خواه

س ۱۴۸۳: Integrated ، ج: مجتمع

س ۱۴۸۴: Loyal ، ج: وظیفه شناس، با وفا

س ۱۴۸۵: Mediate ، ج: میانی

س ۱۴۸۶: Merry ، ج: شاد

س ۱۴۸۷: Mesic ، ج: مرطوب

س ۱۴۸۸: Commander ، ج: فرمانده

س ۱۴۸۹: Meticulosity ، ج: دقت بسیار

meticulous = باریک بین، وسواسی

س ۱۴۹۰: Mercy ، ج: رحم و بخشش

س ۱۴۹۱: Merchant ، ج: تاجر

س ۱۴۹۲: Competitor ، ج: رقیب

س ۱۴۹۳: Compilation ، ج: گردآوری، تالیف

س ۱۴۹۴: Memorize ، ج: حفظ کردن، بخاطر سپردن

س ۱۴۹۵: Medic ، ج: شفابخش

س ۱۴۹۶: Identity ، ج: هویت، اتحاد

س ۱۴۹۷: Minikin ، ج: خرد و ریز

س ۱۴۹۸: Magnificence ، ج: شکوه، بزرگی، بخشش

س ۱۴۹۹: Confirm ، ج: تأیید کردن

س ۱۵۰۰: Expose ، ج: در معرض گذاشتن، نمایش دادن

س ۱۵۰۱: Mininformation ، ج: اطلاع یا خبر نادرست

س ۱۵۰۲: Mislaid ، ج: گم کردن، جا گذاشتن چیزی

س ۱۵۰۳: Mobile ، ج: متحرک

س ۱۵۰۴: Transceiver ، ج: فرستنده، گیرنده

س ۱۵۰۵: Modulation ، ج: تلفیق

س ۱۵۰۶: Moiety ، ج: نیمه، نصف

س ۱۵۰۷: Malison ، ج: فحش و ناسزا، نفرین

س ۱۵۰۸: Majestic ، ج: با شکوه

س ۱۵۰۹: Mild ، ج: ملایم، مهربان

س ۱۵۱۰: Harm ، ج: آسیب، ضرر

س ۱۵۱۱: Iterate ، ج: تکرار کردن، تکرار شدن، بازگو کردن

س ۱۵۱۲: Guideline ، ج: راهبرد

س ۱۵۱۳: Hold forth ، ج: پیشنهاد کردن

س ۱۵۱۴: Habit ، ج: عادت، زندگی کردن

س ۱۵۱۵: Habitation ، ج: سکونت

س ۱۵۱۶: Habitudo ، ج: آداب

س ۱۵۱۷: Salary ، ج: حقوق، شهریه

س ۱۵۱۸: Scale ، ج: مقیاس

س ۱۵۱۹: Hair raising ، ج: مهیج، ترسناک

س ۱۵۲۰: Broke ، ج: ورشکسته، بی پول

س ۱۵۲۱: Hobson's choice ، ج: انتخاب از روی ناچاری

س ۱۵۲۲: Greed ، ج: حرص و طمع

س ۱۵۲۳: Hash ، ج: درهم، مخلوط

س ۱۵۲۴: Heal ، ج: شفا دادن

س ۱۵۲۵: Heap ، ج: توده، انبوه

س ۱۵۲۶: Hence ، ج: بنابراین

س ۱۵۲۷: Here you are ، ج: بفرمائید

س ۱۵۲۸: Hex ، ج: جادوگر، جادو کردن

س ۱۵۲۹: Hidebound ، ج: کوتاه نظر

س ۱۵۳۰: Myth ، ج: افسانه، اسطوره

س ۱۵۳۱: High order ، ج: بالا رتبه

س ۱۵۳۲: Hint ، ج: تذکر، اشاره کردن

س ۱۵۳۳: Hap ، ج: اتفاق، روی دادن

س ۱۵۳۴: Jealous ، ج: حسود

س ۱۵۳۵: Liable ، ج: مسئول، مشمول

س ۱۵۳۶: Capture ، ج: تسخیر، دستگیری

س ۱۵۳۷: Laze ، ج: تنبل

lazy =

س ۱۵۳۸: Canary ، ج: قناری

س ۱۵۳۹: Lay in ، ج: انداختن

س ۱۵۴۰: Cache ، ج: مخزن، نهانگاه

س ۱۵۴۱: Largess ، ج: بخشش و سخاوت

س ۱۵۴۲: Lacerate ، ج: پاره کردن، مجروح کردن

س ۱۵۴۳: Workflow ، ج: جریان کار

س ۱۵۴۴: Humor ، ج: شوخی، مزاح

س ۱۵۴۵: Justify ، ج: توجیه کردن، هم تراز شدن

س ۱۵۴۶: Careless ، ج: بی دقت

س ۱۵۴۷: Jaculate ، ج: پرتاب کردن

س ۱۵۴۸: Involve ، ج: گرفتار و درگیر کردن یا شدن

س ۱۵۴۹: Invest ، ج: سرمایه گذاری کردن

س ۱۵۵۰: Glee ، ج: شادی

س ۱۵۵۱: Stream ، ج: جریان

س ۱۵۵۲: Globe trotter ، ج: جهانگرد

س ۱۵۵۳: Gossip ، ج: شایعات بی اساس

س ۱۵۵۴: Gradually ، ج: بتدریج

س ۱۵۵۵: Grateful ، ج: سپاسگزار

س ۱۵۵۶: Brochure ، ج: جزوه، رساله

س ۱۵۵۷: Restore ، ج: به حال اول بازگرداندن

س ۱۵۵۸: Devote ، ج: وقف کردن

س ۱۵۵۹: Directorate ، ج: مدیریت، هیئت مدیره

س ۱۵۶۰: Burglar ، ج: دزد، سارق منازل

س ۱۵۶۱: Append ، ج: افزودن، الحاق کردن

س ۱۵۶۲: Aspect ، ج: منظر، ظاهر، جنبه، وضع

س ۱۵۶۳: Bankruptcy ، ج: ورشکستگی

س ۱۵۶۴: Coaxial cable ، ج: کابل هم محور

س ۱۵۶۵: Dismissal ، ج: اخراج، مرخصی

س ۱۵۶۶: Collision ، ج: برخورد

س ۱۵۶۷: Computational ، ج: محاسباتی

س ۱۵۶۸: Interface ، ج: میانجی

س ۱۵۶۹: Distribution ، ج: توزیع

س ۱۵۷۰: Brim ، ج: لبه، حاشیه

س ۱۵۷۱: Equipment ، ج: تجهیزات

س ۱۵۷۲: Detect ، ج: کشف کردن، نمایان ساختن

س ۱۵۷۳: Desire ، ج: میل داشتن

س ۱۵۷۴: Descending ، ج: نزولی

س ۱۵۷۵: Facilitate ، ج: آسان کردن

س ۱۵۷۶: Deplete ، ج: تهی کردن

س ۱۵۷۷: Format ، ج: اندازه شکل، قالب بندی کردن

س ۱۵۷۸: generation ، ج: نسل، ایجاد کردن

س ۱۵۷۹: grab ، ج: قاپیدن

س ۱۵۸۰: Plug ، ج: دوشاخه، بستن

س ۱۵۸۱: Disclose ، ج: فاش کردن

س ۱۵۸۲: Board of directors ، ج: هیئت مدیره

س ۱۵۸۳: Advantage ، ج: فایده، سود

س ۱۵۸۴: Beneficial ، ج: سودمند

س ۱۵۸۵: Novel ، ج: رمان

س ۱۵۸۶: Context ، ج: محتوا

س ۱۵۸۷: conventional ، ج: متداول

س ۱۵۸۸: Betimes ، ج: بموقع، در اولین فرصت

س ۱۵۸۹: Bilateral ، ج: دوجانبه

س ۱۵۹۰: Blessed ، ج: مبارک، خوشبخت  
blest

س ۱۵۹۱: Blow ، ج: دمیدن

س ۱۵۹۲: Blow by blow ، ج: پشت سرهم

س ۱۵۹۳: Jealous ، ج: حسود

س ۱۵۹۴: Blue moon ، ج: مدت طولانی

س ۱۵۹۵: Brimful ، ج: لبریز

س ۱۵۹۶: Book review ، ج: انتقاد از کتاب، مقاله درباره کتاب

س ۱۵۹۷: Borrow ، ج: قرض گرفتن

س ۱۵۹۸: Bother ، ج: رنجش، دردسر و زحمت دادن

س ۱۵۹۹: Bounded ، ج: کراندار

س ۱۶۰۰: Brainstorm ، ج: فکر بکر و ناگهانی

س ۱۶۰۱: Bureau ، ج: دفترخانه

س ۱۶۰۲: Break up ، ج: تفکیک کردن، تجزیه

س ۱۶۰۳: Breather ، ج: فرصت، استراحت، مکث

س ۱۶۰۴: Bridewell ، ج: زندان

س ۱۶۰۵: Acceptance ، ج: پذیرش

س ۱۶۰۶: Blow out ، ج: ترکیدن، منفجر شدن

س ۱۶۰۷: Nest ، ج: لانه، آشیان گرفتن

س ۱۶۰۸: Implement ، ج: انجام دادن، اجرا کردن



س ۱۶۰۹: Noncombatant ، ج: غیر مبارز، غیر نظامی

س ۱۶۱۰: Correlation ، ج: ارتباط، همبستگی

س ۱۶۱۱: Coordinated ، ج: هماهنگ

س ۱۶۱۲: Coock ، ج: آشپز

س ۱۶۱۳: Noble ، ج: آزاده، اصیل، با شکوه

س ۱۶۱۴: Consultation ، ج: مشاوره

س ۱۶۱۵: Nil ، ج: پوچ، هیچ

س ۱۶۱۶: Nigh ، ج: نزدیک، تقریبا

س ۱۶۱۷: Nick ، ج: شکستگی

س ۱۶۱۸: Nonetheless ، ج: با این وجود

س ۱۶۱۹: Neuter ، ج: خنثی

neutral =

س ۱۶۲۰: Nook ، ج: گوشه، برآمدگی

س ۱۶۲۱: Neglect ، ج: غفلت، فروگذار کردن

س ۱۶۲۲: Recipient ، ج: گیرنده

س ۱۶۲۳: Muse ، ج: تفکر کردن

س ۱۶۲۴: Multiple ، ج: چندین، متعدد

س ۱۶۲۵: Multifarious ، ج: گوناگون، دارای انواع مختلف

س ۱۶۲۶: Movies ، ج: سینما

س ۱۶۲۷: Mould ، ج: قالب

س ۱۶۲۸: Monotonous ، ج: یکنواخت، خسته کننده

س ۱۶۲۹: Broad minded ، ج: روشن فکر

س ۱۶۳۰: Excel ، ج: بهتر بودن

س ۱۶۳۱: Neutralize ، ج: خنثی کردن، بی طرف کردن

س ۱۶۳۲: Charity ، ج: صدقه

س ۱۶۳۳: Keystrok ، ج: ضربه کلید

س ۱۶۳۴: Maintain ، ج: نگهداری

س ۱۶۳۵: Opportunity ، ج: فرصت

س ۱۶۳۶: Partially ، ج: جزئی

س ۱۶۳۷: Peripheral ، ج: جانبی

س ۱۶۳۸: permanent ، ج: دائمی، ماندگار

س ۱۶۳۹: Principle ، ج: اصل، سرچشمه

س ۱۶۴۰: Productivity ، ج: سودمندی

س ۱۶۴۱: Occupy ، ج: تصرف کردن، سرگرم کردن

س ۱۶۴۲: Chief ، ج: رئیس، عمده

chief of state = رئیس دولت

س ۱۶۴۳: Nonconformist ، ج: مخالف، خودرای

س ۱۶۴۴: Charmer ، ج: جذاب

charming=

س ۱۶۴۵: Monarch ، ج: پادشاه

س ۱۶۴۶: Certification ، ج: گواهینامه

س ۱۶۴۷: Obey ، ج: اطاعت کردن

س ۱۶۴۸: Nun ، ج: راهبه

nunnery = صومعه

س ۱۶۴۹: Nullify ، ج: باطل کردن

س ۱۶۵۰: Novel ، ج: جدید، بدیع

س ۱۶۵۱: Daffy ، ج: احمق

س ۱۶۵۲: Nota bene ، ج: قابل توجه، توجه شود!

س ۱۶۵۳: Culture ، ج: پرورش، تمدن

س ۱۶۵۴: Nostalgic ، ج: دل‌تنگ، غریب

س ۱۶۵۵: Nooning ، ج: استراحت نیمروز

س ۱۶۵۶: Chase ، ج: تعقیب کردن

س ۱۶۵۷: Expectance ، ج: انتظار، توقع

س ۱۶۵۸: Raider ، ج: مهاجم

س ۱۶۵۹: Redactor ، ج: سردبیر

س ۱۶۶۰: Recoup ، ج: دوباره بدست آوردن، جبران کردن

س ۱۶۶۱: Reciprocate ، ج: عمل متقابل کردن

س ۱۶۶۲: Ratio ، ج: نسبت، سهم

س ۱۶۶۳: Rating ، ج: سرزنش، دسته بندی، درجه، رتبه

س ۱۶۶۴: Prize ، ج: جایزه، مغتنم شمردن

س ۱۶۶۵: Rarely ، ج: بندرت

س ۱۶۶۶: Relief ، ج: راحتی

س ۱۶۶۷: Ragged ، ج: زیر، ناصاف

س ۱۶۶۸: Radix ، ج: سرچشمه، مبنا

س ۱۶۶۹: Protest ، ج: اعتراض

س ۱۶۷۰: Propose ، ج: پیشنهاد کردن

س ۱۶۷۱: Profess ، ج: ادعا کردن، اظهار کردن

س ۱۶۷۲: Generic ، ج: عمومی

س ۱۶۷۳: Rate ، ج: نرخ، سرعت

س ۱۶۷۴: Rest ، ج: استراحت

س ۱۶۷۵: Salvation ، ج: رستگاری، نجات

س ۱۶۷۶: Sake ، ج: منظور، دلیل

س ۱۶۷۷: Rural ، ج: روستائی

س ۱۶۷۸: Ruling ، ج: تصمیم، حکم

س ۱۶۷۹: Rub ، ج: مالیدن

س ۱۶۸۰: Revenge ، ج: انتقام

س ۱۶۸۱: Relevant ، ج: مربوط، مناسب

س ۱۶۸۲: Restrain ، ج: جلوگیری کردن از، مهار کردن

س ۱۶۸۳: Reliable ، ج: قابل اطمینان

س ۱۶۸۴: Resist ، ج: پایداری

س ۱۶۸۵: Rental ، ج: اجاره ای

س ۱۶۸۶: Render ، ج: ارائه دادن

س ۱۶۸۷: Reminiscence ، ج: خاطره

reminiscent =

س ۱۶۸۸: Remark ، ج: ملاحظه کردن، اظهار داشتن

remarkable = قابل توجه

س ۱۶۸۹: Privy ، ج: صمیمی، اختصاصی

س ۱۶۹۰: Resume ، ج: از سر گرفتن

س ۱۶۹۱: N ary ، ج: n تائی

س ۱۶۹۲: Offend ، ج: رنجاندن

س ۱۶۹۳: Offence ، ج: گناه، تقصیر

س ۱۶۹۴: Negligible ، ج: ناچیز، بی اهمیت

س ۱۶۹۵: Needle ، ج: سوزن

س ۱۶۹۶: Neb ، ج: نوک، منقار

س ۱۶۹۷: Probe ، ج: جستجو، تحقیق

س ۱۶۹۸: Naught ، ج: عدم، نابودی، بی ارزش

س ۱۶۹۹: Opponent ، ج: مخالف، حریف

س ۱۷۰۰: Mislead ، ج: گمراه کردن

س ۱۷۰۱: Ministrant ، ج: خادم

س ۱۷۰۲: Glint ، ج: تلالو

س ۱۷۰۳: Get up ، ج: بیدار شدن

س ۱۷۰۴: Genuine ، ج: خالص، اصل

س ۱۷۰۵: Genesis ، ج: پیدایش

س ۱۷۰۶: Naughty ، ج: نا فرمان، سرکش

س ۱۷۰۷: Pitfall ، ج: تله

س ۱۷۰۸: Primary ، ج: اولیه، عمده، اصلی

س ۱۷۰۹: Primal ، ج: اولیه، بسیار قدیمی

س ۱۷۱۰: Exclusive ، ج: انحصاری

س ۱۷۱۱: Prevent ، ج: جلوگیری کردن، بازداشتن

س ۱۷۱۲: Premiere ، ج: مقدم، برتر

س ۱۷۱۳: Prejudice ، ج: تبعیض، تعصب

س ۱۷۱۴: Offensive ، ج: مهاجم، متجاوز

س ۱۷۱۵: Pleasure ، ج: خوشی

س ۱۷۱۶: Onward ، ج: بجلو

س ۱۷۱۷: Perimeter ، ج: پیرامون، محیط

س ۱۷۱۸: Penurious ، ج: فقیر

س ۱۷۱۹: Outrange ، ج: دور رس بودن

س ۱۷۲۰: Outrance ، ج: انتها

س ۱۷۲۱: Optic ، ج: بصری

س ۱۷۲۲: Seat ، ج: جا، صندلی

س ۱۷۲۳: Precise ، ج: چکیده مطلب

س ۱۷۲۴: Span ، ج: محدوده

س ۱۷۲۵: Steam ، ج: بخار

س ۱۷۲۶: Stay up ، ج: بیدار ماندن

س ۱۷۲۷: Standby ، ج: جانشین، کشیک

س ۱۷۲۸: Stair ، ج: پله، نردبان

س ۱۷۲۹: Staff ، ج: کارکنان

س ۱۷۳۰: Satisfy ، ج: سیر کردن، اشباع شدن

س ۱۷۳۱: Spoon ، ج: قاشق

س ۱۷۳۲: Strike ، ج: ضربه زدن

س ۱۷۳۳: Snag ، ج: مانع، گیر، به مانعی برخورد کردن

س ۱۷۳۴: Smelt ، ج: گداختن، تصفیه کردن

س ۱۷۳۵: Slim ، ج: نازک، لاغر

س ۱۷۳۶: Slide ، ج: لغزش، سرازیری، ریزش

س ۱۷۳۷: Penetrate ، ج: نفوذ کردن

س ۱۷۳۸: Penalty ، ج: جزاء، تاوان و جریمه

س ۱۷۳۹: Spotless ، ج: بی عیب، بی لکه

س ۱۷۴۰: Verdict ، ج: رای، قضاوت

س ۱۷۴۱: Fortune ، ج: بخت و اقبال

س ۱۷۴۲: Fancy ، ج: خیال، وهم

س ۱۷۴۳: Abbreviate ، ج: خلاصه کردن

س ۱۷۴۴: Worth ، ج: ارزش

س ۱۷۴۵: Wondrous ، ج: شگفت انگیز

س ۱۷۴۶: Wing ، ج: بال

س ۱۷۴۷: Stick ، ج: چسبیدن

س ۱۷۴۸: Viewpoint ، ج: دیدگاه

س ۱۷۴۹: Stimulate ، ج: تحریک کردن

س ۱۷۵۰: Velocity ، ج: سرعت

س ۱۷۵۱: Surety ، ج: ضامن

س ۱۷۵۲: Such ، ج: چنین

س ۱۷۵۳: Submit ، ج: ارائه دادن، تسلیم کردن(شدن)

س ۱۷۵۴: Studious ، ج: کوشا

س ۱۷۵۵: Patient ، ج: صبور، بیمار

س ۱۷۵۶: Visual ، ج: دیداری، بصری

س ۱۷۵۷: Shade ، ج: سایه

س ۱۷۵۸: Peer ، ج: همتا، جفت

س ۱۷۵۹: Significant ، ج: پر معنی

س ۱۷۶۰: Signally ، ج: آشکارا

س ۱۷۶۱: Shy ، ج: خجالتی

س ۱۷۶۲: Shut ، ج: بستن

س ۱۷۶۳: Shred ، ج: پاره، خرد، پاره کردن

س ۱۷۶۴: Slave ، ج: بنده، غلامی کردن

س ۱۷۶۵: Shield ، ج: سپر، پوشش، محافظ

س ۱۷۶۶: Slayer ، ج: قاتل

س ۱۷۶۷: Senior ، ج: بزرگتر، ارشد

س ۱۷۶۸: Semiprivate ، ج: نیمه خصوصی

س ۱۷۶۹: Semester ، ج: دوره

س ۱۷۷۰: Seize ، ج: قاپیدن، ربودن

س ۱۷۷۱: Sect ، ج: فرقه، حذب

س ۱۷۷۲: Pretext ، ج: بهانه

س ۱۷۷۳: Short-tempred ، ج: تند خو

س ۱۷۷۴: Paramount ، ج: فائق، برتر

س ۱۷۷۵: Scream ، ج: جیغ زدن

س ۱۷۷۶: Passel ، ج: دسته، گروه کثیر

س ۱۷۷۷: Passage ، ج: عبور، گذرگاه

س ۱۷۷۸: Partly ، ج: تا حدی

س ۱۷۷۹: Partial ، ج: طرفدارانه، جزئی

س ۱۷۸۰: Partake ، ج: شرکت کردن، سهمیم بودن

س ۱۷۸۱: Skip ، ج: پریدن، از قلم اندازی

س ۱۷۸۲: Pardon me? ، ج: ببخشید، میشه مطلب خود را دوباره تکرار کنید؟

س ۱۷۸۳: Patron ، ج: حامی

س ۱۷۸۴: Par ، ج: برابری

س ۱۷۸۵: Panel ، ج: تابلو، قاب عکس

س ۱۷۸۶: Palpitation ، ج: تپش، لرزش

س ۱۷۸۷: Palace ، ج: کاخ

س ۱۷۸۸: Padding ، ج: لایه گذاری

س ۱۷۸۹: Pacemaker ، ج: سرمشق، راهنما

س ۱۷۹۰: Parentage ، ج: نسب

س ۱۷۹۱: Flee ، ج: گریختن

س ۱۷۹۲: Fordo ، ج: نابود کردن

س ۱۷۹۳: Generable ، ج: همگانی

س ۱۷۹۴: Pride ، ج: فخر، سربلندی، غرور

س ۱۷۹۵: Fence ، ج: حصار، حفظ کردن

س ۱۷۹۶: Fetching ، ج: جذاب

س ۱۷۹۷: Demand ، ج: تقاضا کردن

س ۱۷۹۸: Fill out ، ج: تکمیل کردن، پر کردن

س ۱۷۹۹: Delicate ، ج: ظریف، حساس

س ۱۸۰۰: Deathful ، ج: مرگبار

deathlike =

س ۱۸۰۱: Find out ، ج: پی بردن، کشف کردن

س ۱۸۰۲: Feat ، ج: شاهکار

س ۱۸۰۳: Flaw ، ج: عیب، عیب دار کردن

س ۱۸۰۴: Feasible ، ج: امکان پذیر

س ۱۸۰۵: Flex ، ج: خم کردن

س ۱۸۰۶: Flimsy ، ج: سست، شل و ول

س ۱۸۰۷: Deadly ، ج: مهلک

س ۱۸۰۸: Foe ، ج: دشمن، مخالف

س ۱۸۰۹: Daybreak ، ج: سپیده دم

س ۱۸۱۰: Dangle ، ج: آویختن

س ۱۸۱۱: Damage ، ج: خسارت  
damaging = مضر

س ۱۸۱۲: Conquer ، ج: غلبه یافتن  
conquest = غلبه، پیروزی

س ۱۸۱۳: Footstep ، ج: ردپا

س ۱۸۱۴: Forceful ، ج: قوی، موثر

س ۱۸۱۵: First rate ، ج: درجه اول، عالی

س ۱۸۱۶: Express ، ج: بیان کردن

س ۱۸۱۷: Avoid ، ج: دوری کردن

س ۱۸۱۸: Ascending order ، ج: ترتیب صعودی

س ۱۸۱۹: Appreciate ، ج: تقدیر کردن

س ۱۸۲۰: Belive ، ج: کم کم، به موقع خود

س ۱۸۲۱: Bothersome ، ج: پر دردسر، مزاحم

س ۱۸۲۲: Break out ، ج: شیوع یافتن

س ۱۸۲۳: Bring on ، ج: ادامه دادن، به جلو رفتن، بظهور رساندن

س ۱۸۲۴: Expansion ، ج: توسعه

س ۱۸۲۵: Experiment ، ج: آزمایش، تجربه

س ۱۸۲۶: Explicate ، ج: توضیح دادن

س ۱۸۲۷: Federate ، ج: متحد

س ۱۸۲۸: Export ، ج: صادر کردن

س ۱۸۲۹: Fool ، ج: احمق

س ۱۸۳۰: Exsert ، ج: بیرون دادن، جلو دادن

س ۱۸۳۱: Extend ، ج: توسعه دادن، عمومیت دادن  
extent = وسعت

س ۱۸۳۲: Extract ، ج: استخراج کردن

س ۱۸۳۳: Fair ، ج: منصف

س ۱۸۳۴: Falsification ، ج: تحریف

س ۱۸۳۵: Fancy ، ج: خیال، وهم



س ۱۸۳۶: Fantastic ، ج: خارق العاده

س ۱۸۳۷: Fasten ، ج: بستن، چسباندن، سفت شدن

س ۱۸۳۸: Fatal ، ج: مهلک

س ۱۸۳۹: Faze ، ج: برهم زدن

س ۱۸۴۰: Explicit ، ج: صریح، واضح

س ۱۸۴۱: Friction ، ج: سایش، اصطکاک

س ۱۸۴۲: Founder ، ج: موسس، بنیان گزار

س ۱۸۴۳: Fortune ، ج: شانس، خوش بختی

س ۱۸۴۴: Fundament ، ج: اساس، پایه

س ۱۸۴۵: Further ، ج: بیشتر، بعلاوه، پیشرفت کردن

س ۱۸۴۶: Forego ، ج: پیش رفتن، مقدم بودن

س ۱۸۴۷: Foresee ، ج: پیش بینی کردن

forespeak =

س ۱۸۴۸: Flown ، ج: لبریز، پر

س ۱۸۴۹: Gain ، ج: منفعت، حاصل شدن

س ۱۸۵۰: Fork ، ج: چنگال

س ۱۸۵۱: Futile ، ج: بیهوده

س ۱۸۵۲: Adjective ، ج: صفت

س ۱۸۵۳: Absolutely ، ج: کاملاً، مستبدانه

س ۱۸۵۴: Waiter ، ج: پیشخدمت

س ۱۸۵۵: Amphibole ، ج: نامفهوم، دو پهلو

س ۱۸۵۶: Void ، ج: باطل، خالی

س ۱۸۵۷: Visualize ، ج: تجسم کردن

س ۱۸۵۸: Cell number ، ج: شماره موبایل

س ۱۸۵۹: Centralization ، ج: تمرکز

س ۱۸۶۰: Union ، ج: اجتماع، اتحاد

س ۱۸۶۱: Utility ، ج: سودمندی

س ۱۸۶۲: All day ، ج: تمام روز، در طول روز

س ۱۸۶۳: Briefcase ، ج: کیف دستی مردانه

س ۱۸۶۴: Alter ، ج: تغییر دادن

س ۱۸۶۵: Under the counter ، ج: قاچاقی

س ۱۸۶۶: Uglify ، ج: زشت کردن

س ۱۸۶۷: Validate ، ج: معتبر ساختن

س ۱۸۶۸: Annoyer ، ج: آزار دهنده

س ۱۸۶۹: Attendant ، ج: سرپرست و همراه

س ۱۸۷۰: Assuredly ، ج: مطمئنا

س ۱۸۷۱: Artificial intelligence ، ج: هوش مصنوعی

س ۱۸۷۲: Approval ، ج: تصویب، تجویز

س ۱۸۷۳: Appendant ، ج: ضمیمه، الحاقی

س ۱۸۷۴: Anywhy ، ج: به هر جهت

س ۱۸۷۵: Anyhow ، ج: در هر صورت، به هر حال

anyway=

س ۱۸۷۶: Bribe ، ج: رشوه دادن

س ۱۸۷۷: Throw ، ج: انداختن، پرت کردن

س ۱۸۷۸: Alley ، ج: کوچه

س ۱۸۷۹: Celebrate ، ج: جشن گرفتن

س ۱۸۸۰: Sentry ، ج: نگهبان، کشیک

س ۱۸۸۱: Outspread ، ج: توسعه

س ۱۸۸۲: Anamorphic ، ج: تغییر شکل دهنده

س ۱۸۸۳: Along ، ج: همراه، جلو، در امتداد

س ۱۸۸۴: Bet ، ج: شرط بستن

س ۱۸۸۵: Any thing else? ، ج: چیز دیگر؟

س ۱۸۸۶: Anxious ، ج: دلواپس، مشتاق

س ۱۸۸۷: Strict ، ج: سخت، محکم

س ۱۸۸۸: Thread ، ج: نخ

س ۱۸۸۹: Theme ، ج: موضوع، مطلب

س ۱۸۹۰: Terminate ، ج: خاتمه دادن

س ۱۸۹۱: Awful ، ج: مهیب و ترسناک

س ۱۸۹۲: Terminal ، ج: نهائی

س ۱۸۹۳: Accurate ، ج: درست، دقیق

س ۱۸۹۴: Temporal ، ج: دنیوی، موقتی

س ۱۸۹۵: Typal ، ج: نمونه ای

س ۱۸۹۶: Tempo ، ج: زمان، گام

س ۱۸۹۷: Tight ، ج: سفت، محکم

س ۱۸۹۸: Collaborate ، ج: همدستی کردن، تشریک

س ۱۸۹۹: Cold blooded ، ج: خونسرد، بی عاطفه = coldhearted

س ۱۹۰۰: Subscript ، ج: زیرنویس (مثل امضا)

س ۱۹۰۱: Subsequently ، ج: سپس

س ۱۹۰۲: Survive ، ج: زنده ماندن

س ۱۹۰۳: Talent ، ج: استعداد

س ۱۹۰۴: Talkitive ، ج: پر حرف

س ۱۹۰۵: Tear ، ج: اشک، پارگی، گسستن

س ۱۹۰۶: Contaminate ، ج: آلودن

س ۱۹۰۷: Parse ، ج: تجزیه

س ۱۹۰۸: Afterclap ، ج: عاقبت، نتیجه

س ۱۹۰۹: Adviser ، ج: مشاور  
advisement = مشورت

س ۱۹۱۰: Tuck ، ج: چین، تا

س ۱۹۱۱: Accountable ، ج: مسئول حساب، جوابگو

س ۱۹۱۲: Trim ، ج: درست کردن، پاکیزه و مرتب

س ۱۹۱۳: Absolute ، ج: مطلق

س ۱۹۱۴: Examine ، ج: بازرسی کردن، آزمودن

س ۱۹۱۵: Trek ، ج: سفر

س ۱۹۱۶: Throughout ، ج: سراسر

س ۱۹۱۷: Treaty ، ج: پیمان، قرارداد

س ۱۹۱۸: Throw ، ج: پرتاب کردن

س ۱۹۱۹: Partite ، ج: جدا شده

س ۱۹۲۰: Patent ، ج: حق امتیاز، آشکار

س ۱۹۲۱: Treasure ، ج: خزانه، گنجینه اندوختن

س ۱۹۲۲: Transition ، ج: انتقال، برزخ، تحول

س ۱۹۲۳: Transact ، ج: معامله کردن

س ۱۹۲۴: Trail ، ج: پیشرو، بدنبال حرکت کردن

س ۱۹۲۵: Tonic ، ج: مقوی، صدائی

س ۱۹۲۶: Alien ، ج: بیگانه

س ۱۹۲۷: Parliament ، ج: مجلس شورا

س ۱۹۲۸: Coexistence ، ج: همزیستی

س ۱۹۲۹: Haste ، ج: عجله کردن

س ۱۹۳۰: Excess ، ج: فزونی، افراط

س ۱۹۳۱: Recover ، ج: ترمیم شدن، بهبودی یافتن

س ۱۹۳۲: Relegate ، ج: موکول کردن

س ۱۹۳۳: Beef brained ، ج: کند ذهن، کودن

س ۱۹۳۴: Becoming ، ج: مناسب، درخور

س ۱۹۳۵: Backer ، ج: نگهدار، پشتیبان

س ۱۹۳۶: Awhile ، ج: اندکی، مدتی

س ۱۹۳۷: Axle ، ج: محور، میله

س ۱۹۳۸: B.C ، ج: قبل از میلاد

س ۱۹۳۹: Repute ، ج: شهرت داشتن

س ۱۹۴۰: Batching ، ج: دسته کردن

س ۱۹۴۱: Acquisition ، ج: کشف، تحصیل و فراگیری

س ۱۹۴۲: Illogic ، ج: غیر منطقی

س ۱۹۴۳: Adverse ، ج: مخالف، ناسازگار

س ۱۹۴۴: Behold ، ج: ببین، هان!

س ۱۹۴۵: Immigrate ، ج: مهاجرت کردن

س ۱۹۴۶: Idle ، ج: تنبل، وقت تلف کردن

س ۱۹۴۷: Akin ، ج: وابسته، یکسان

س ۱۹۴۸: Illiterate ، ج: بی سواد

س ۱۹۴۹: Ill ، ج: بیمار، بد

س ۱۹۵۰: Amidst ، ج: درمیان، وسط

س ۱۹۵۱: Afterward ، ج: بعدا

س ۱۹۵۲: Apt ، ج: مستعد، آماده، زرنگ  
aptitude = استعداد

س ۱۹۵۳: Banned ، ج: ملعون، مغضوب

س ۱۹۵۴: Hurt ، ج: آزار رساندن

س ۱۹۵۵: Identic ، ج: یکسان

س ۱۹۵۶: Cautious ، ج: هوشیار، محتاط، مواظب

س ۱۹۵۷: Impartial ، ج: بی طرف

س ۱۹۵۸: Blast ، ج: دمیدن، انفجار

س ۱۹۵۹: Bracelet ، ج: دستبند

س ۱۹۶۰: Bud ، ج: رفیق

س ۱۹۶۱: Hypothesize ، ج: فرض کردن  
hypothetical = فرضی

س ۱۹۶۲: Bail ، ج: ضامن، وثیقه، ضمانت گرفتن

س ۱۹۶۳: Celestial ، ج: الهی، آسمانی

س ۱۹۶۴: Indomitable ، ج: غیر قابل تسخیر

س ۱۹۶۵: Indivertible ، ج: انحراف ناپذیر

س ۱۹۶۶: Indiscrete ، ج: بهم پیوسته

س ۱۹۶۷: Indestructible ، ج: فنا ناپذیر

س ۱۹۶۸: Indescribable ، ج: وصف ناپذیر

س ۱۹۶۹: Income tax ، ج: مالیات بر درآمد

س ۱۹۷۰: Vanward ، ج: پیشرو

س ۱۹۷۱: Impression ، ج: اثر

س ۱۹۷۲: Censurable ، ج: انتقاد آمیز  
censure = انتقاد

س ۱۹۷۳: Whence ، ج: از کجا، از چه رو

س ۱۹۷۴: Imperfection ، ج: نقص، عیب

س ۱۹۷۵: Cease ، ج: ایستادن، دست کشیدن، وقفه

س ۱۹۷۶: Imperative ، ج: امری، ضروری

س ۱۹۷۷: Impassable ، ج: غیر قابل عبور

س ۱۹۷۸: Comparative ، ج: تطبیقی، مقایسه ای، نسبی، تفضیلی

س ۱۹۷۹: Wake ، ج: بیداری، از خواب بیدار کردن

س ۱۹۸۰: Butter ، ج: کره

س ۱۹۸۱: Whither ، ج: بکجا

س ۱۹۸۲: Celebrant ، ج: برگزار کننده

س ۱۹۸۳: Wit ، ج: هوش، قوه تعقل

witan = عاقل

س ۱۹۸۴: Ceaseless ، ج: پیوسته، دائمی

س ۱۹۸۵: Verify ، ج: بازبینی کردن

س ۱۹۸۶: Caution ، ج: احتیاط، پیش بینی، هوشیاری

س ۱۹۸۷: Ego ، ج: ضمیر، نفس، خود، من

س ۱۹۸۸: Elderly ، ج: مسن، سالخورده

س ۱۹۸۹: Elegance ، ج: ظرافت، سلیقه

س ۱۹۹۰: Embarrassing ، ج: شرم آور، خجالت آور

س ۱۹۹۱: Escape ، ج: فرار، رهائی جستن

س ۱۹۹۲: Essay ، ج: انشا، مقاله

س ۱۹۹۳: Evert ، ج: برگرداندن، پشت و رو کردن

س ۱۹۹۴: Evolution ، ج: تکامل

س ۱۹۹۵: Exhausted ، ج: خسته، مصرف شده

س ۱۹۹۶: Closet ، ج: کمد

س ۱۹۹۷: Faith ، ج: اعتماد، ایمان، عقیده

س ۱۹۹۸: Each other ، ج: یکدیگر

س ۱۹۹۹: Fate ، ج: سرنوشت

س ۲۰۰۰: By gone ، ج: گذشته، قدیمی

س ۲۰۰۱: Flu ، ج: سرماخوردگی

س ۲۰۰۲: Cardinal ، ج: اصلی، اساسی

س ۲۰۰۳: Bumptious ، ج: از خود راضی

س ۲۰۰۴: Bulletin ، ج: تابلوی اعلانات، اعلانیه رسمی

س ۲۰۰۵: Bulge ، ج: برآمدگی، تحذب

س ۲۰۰۶: Cockshut ، ج: غروب آفتاب

س ۲۰۲۱: Earing ، ج: گوشواره

س ۲۰۰۷: Coefficient ، ج: ضریب

س ۲۰۲۲: Darama ، ج: نمایش

س ۲۰۰۸: Fabulous ، ج: شگفت آور، افسانه ای

س ۲۰۲۳: Dare ، ج: جرات کردن، شهامت

س ۲۰۰۹: Crick ، ج: گرفتگی عضله

س ۲۰۲۴: Deaf ، ج: ناشنوا

س ۲۰۱۰: Catch up ، ج: رسیدن به

س ۲۰۲۵: Dealer ، ج: دست فروش، دلال

س ۲۰۱۱: How is it going? ، ج: اوضاع چطور؟

س ۲۰۲۶: Declare ، ج: اظهار داشتن

س ۲۰۱۲: Charm ، ج: جذابیت، افسون

س ۲۰۲۷: Dessert ، ج: دسر

س ۲۰۱۳: Chorus ، ج: همسرایان

س ۲۰۲۸: Dim ، ج: تاریک، مبهم، کم کردن نور

س ۲۰۱۴: Turn up ، ج: رخ دادن

س ۲۰۲۹: Dissimulation ، ج: دو روئی

س ۲۰۱۵: Coarctate ، ج: بهم فشردن، تنگ

س ۲۰۳۰: Down town ، ج: مرکز شهر

س ۲۰۱۶: Inform ، ج: آگاه کردن، مطلع ساختن

س ۲۰۳۱: Camping ، ج: اردو

س ۲۰۱۷: Conciliation ، ج: مصالحه، توافق

س ۲۰۳۲: Couch ، ج: کاناپه

س ۲۰۱۸: Cosmic ، ج: کیهانی

س ۲۰۳۳: Dwell ، ج: ساکن بودن

س ۲۰۱۹: Early in the morning ، ج: صبح زود

dwelling = مسکن

س ۲۰۲۰: Cough ، ج: سرفه کردن

س ۲۰۳۴: Plenary ، ج: کامل

س ۲۰۳۵: Playmate ، ج: همبازی

س ۲۰۳۶: Pick out ، ج: انتخاب کردن، جدا کردن

س ۲۰۳۷: Evoke ، ج: احضار کردن

س ۲۰۳۸: Evident ، ج: بدیهی، آشکار

س ۲۰۳۹: Phrase ، ج: عبارت، اصطلاح

س ۲۰۴۰: Evaluation ، ج: ارزیابی

س ۲۰۴۱: Embed ، ج: جاسازی کردن

س ۲۰۴۲: Eligible ، ج: قابل انتخاب، مطلوب

س ۲۰۴۳: Off hook ، ج: قطع شده

س ۲۰۴۴: Eager ، ج: مشتاق

س ۲۰۴۵: Accord ، ج: وفق دادن، سازگاری

س ۲۰۴۶: Duplex ، ج: دوتائی، مضاعف

س ۲۰۴۷: Dump ، ج: آشغال

س ۲۰۴۸: Due to ، ج: بعلت

س ۲۰۴۹: Due date ، ج: موعد مقرر

س ۲۰۵۰: Douce ، ج: آرام، متین

س ۲۰۵۱: Perspective ، ج: لحاظ، منظر، چشم انداز

س ۲۰۵۲: Perchance ، ج: شاید

س ۲۰۵۳: Per annum ، ج: سالانه

س ۲۰۵۴: Infinite ، ج: بیکران، نامحدود

finite = محدود

س ۲۰۵۵: Phenomenal ، ج: پدیده ای ، شگفت انگیز

س ۲۰۵۶: Predominant ، ج: غالب، مسلط

س ۲۰۵۷: Attainable ، ج: نائل شدنی، در دسترس

س ۲۰۵۸: Beck ، ج: اشاره با سر یا دست مثل تصدیق

س ۲۰۵۹: Belike ، ج: احتمالا

س ۲۰۶۰: Relapse ، ج: برگشت

س ۲۰۶۱: Refrain ، ج: خودداری کردن

س ۲۰۶۲: Procure ، ج: بدست آوردن

س ۲۰۶۳: Amid ، ج: در میان



س ۲۰۶۴: Amends ، ج: جبران، تلافی

س ۲۰۶۵: Amendable ، ج: قابل اصلاح

س ۲۰۶۶: Aberrance ، ج: انحراف، گمراهی  
aberrant = گمراه

س ۲۰۶۷: Preface ، ج: مقدمه، سرآغاز

س ۲۰۶۸: Plentiful ، ج: فراوان

س ۲۰۶۹: Precise ، ج: دقیق

س ۲۰۷۰: Aforetime ، ج: قبلی

س ۲۰۷۱: Posture ، ج: وضع، حالت ایستادن

س ۲۰۷۲: Porter ، ج: حمل کردن

س ۲۰۷۳: Adolescent ، ج: نوجوان

س ۲۰۷۴: Admission ، ج: پذیرش، اجازه ورود

س ۲۰۷۵: Polite ، ج: با ادب

س ۲۰۷۶: Polish ، ج: صیقل دادن، واکسزدن

س ۲۰۷۷: Poison ، ج: سم، مسموم کردن

س ۲۰۷۸: Off and on ، ج: گاهی

س ۲۰۷۹: Canon ، ج: تصویب نامه

س ۲۰۸۰: Totty ، ج: ناپایدار، سست و لرزان

س ۲۰۸۱: Keep ، ج: نگه داشتن، اداره کردن

س ۲۰۸۲: Invent ، ج: اختراع کردن

س ۲۰۸۳: Intermediate ، ج: میانه، متوسط

س ۲۰۸۴: Thirst ، ج: تشنگی

س ۲۰۸۵: Insult ، ج: توهین کردن به

س ۲۰۸۶: Instauration ، ج: نوسازی، تعمیر

س ۲۰۸۷: Instate ، ج: منصوب نمودن، گماشتن

س ۲۰۸۸: Thrum ، ج: ریشه

س ۲۰۸۹: Thrust ، ج: فرو کردن

س ۲۰۹۰: Omit ، ج: حذف کردن

س ۲۰۹۱: Injustice ، ج: بی عدالتی، بی انصافی

س ۲۰۹۲: Temperate ، ج: معتدل، ملایم

س ۲۰۹۳: Injure ، ج: آسیب زدن به، آزار رساندن به

س ۲۰۹۴: Inhibit ، ج: جلوگیری کردن

س ۲۰۹۵: Transgress ، ج: تجاوز کردن از، سرپیچی کردن از

س ۲۰۹۶: Influent ، ج: نافذ

س ۲۰۹۷: Adept ، ج: ماهر

س ۲۰۹۸: Inexpugnable ، ج: شکست ناپذیر

س ۲۰۹۹: Trepass ، ج: تعدی کردن

س ۲۱۰۰: Inessential ، ج: غیر ضروری

س ۲۱۰۱: Indubitable ، ج: بدون تردید

س ۲۱۰۲: Innovate ، ج: نوآوری کردن

س ۲۱۰۳: Observe ، ج: رعایت کردن، مشاهده کردن

س ۲۱۰۴: Stagnant ، ج: راکد

stagnancy = رکود

س ۲۱۰۵: Odds and ends ، ج: خرت و پرت

س ۲۱۰۶: Oddment ، ج: چیزهای متفرقه

س ۲۱۰۷: Stature ، ج: قد، مقام

س ۲۱۰۸: Od ، ج: سوگند ملایم، بخدا

س ۲۱۰۹: Byname ، ج: لقب

س ۲۱۱۰: Columnist ، ج: مقاله نویس

س ۲۱۱۱: Columnar ، ج: ستونی

س ۲۱۱۲: Obvious ، ج: آشکار

س ۲۱۱۳: Minify ، ج: کوچک کردن، خرد کردن

س ۲۱۱۴: Obsolesce ، ج: کهنه شدن

س ۲۱۱۵: Mog ، ج: دور شدن، رفتن

س ۲۱۱۶: Oblivion ، ج: فراموشی

oblivious = فراموشکار

س ۲۱۱۷: Oblique ، ج: مایل، اریب

س ۲۱۱۸: Certainty ، ج: یقین، اطمینان

س ۲۱۱۹: Centric ، ج: وسطی، میانی

---

س ۲۱۲۰: Obligor ، ج: بدهکار، متعهد

---

س ۲۱۲۱: Synoptic ، ج: مختصر، خلاصه

---

س ۲۱۲۲: Obfuscate ، ج: گیج کردن

---

س ۲۱۲۳: Chef ، ج: سرآشپز

---

س ۲۱۲۴: Cheekily ، ج: با گستاخی

cheekiness = گستاخی

cheeky = گستاخ

---

س ۲۱۲۵: Tummy ، ج: شکم، معده

---

س ۲۱۲۶: Colonization ، ج: استعمار، مهاجرت، کوچ

---